



تبیین ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه با تاکید بر راهکارهای دستیابی به صلح منطقه‌ای (ایران، ترکیه و عربستان)

سعید عزیزی^۱، بهادر زارعی^۲

۳۳

چکیده

مطالعه عملکرد بازیگران منطقه‌ای باعث شناخت بیشتر سیاستها و قدرتهای منطقه‌ای می‌شود. در منطقه خاورمیانه چندین کشور با توجه به موقعیت و وزن ژئوپلیتیکی در جایگاه برتری نسبت به سایر کشورها در منطقه قرار دارند. ایران، ترکیه و عربستان از جمله بازیگران برتر در منطقه خاورمیانه هستند که با توجه به قدرت و وزن ژئوپلیتیکی که دارند تصمیمات آنها در کل منطقه خاورمیانه تاثیرگذار است. درکی دقیق و واقع‌بینانه از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی مشترک میان این کشورها می‌تواند زمینه‌ساز تقویت همکاری، مدیریت اختلافات و تامین صلح پایدار در منطقه خاورمیانه باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه می‌توان از طریق درک مولفه‌های ژئوپلیتیک منطقه، به تنش‌زدایی و برقراری صلح پایدار میان سه قدرت ژئوپلیتیکی ایران، ترکیه و عربستان در منطقه خاورمیانه دست یافت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با تاکید بر بنیادهای جغرافیایی مشترک منطقه، ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی، همکاری‌های ژئواکونومیک و رویکرد ژئوپلیتیک صلح؛ می‌توان زمینه‌های تنش‌زدایی و تقویت صلح‌طلبی را در منطقه خاورمیانه (ایران، ترکیه و عربستان) فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها: جغرافیا، ژئوپلیتیک، خاورمیانه، بازیگران برتر منطقه، ژئوپلیتیک صلح.

دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۳
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۲۸

صص: ۴۰۳-۳۵۹

شاپا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

saeed.azizi98@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱- مقدمه

نظام نوین ژئوپلیتیک جهانی در برگیرنده عناصری است که معرفی آنها کلید درک مفاهیم مورد نظر است. قدرت اصلی ترین عنصر این ساختار را تشکیل می‌دهد. قدرت و رقابتهای قدرتی برای ایجاد برتری نسبت به رقیبان، پیوسته هسته مرکزی مباحث و کارکرد ژئوپلیتیک پویا بوده است. برتری خواهی، سلطه جویی و یا ایجاد کنترل بر امور منطقه، بخشی از جهان یا بر کل جهان در اصطلاح، هژمونی گفته می‌شود که هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلیتیک است (مازندرانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۰۲). منطقه ژئوپلیتیکی عبارتست از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی-فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی، که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد. منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد. هویت‌یابی منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردارشدن سیاسی منطقه جغرافیایی متجانس و عناصر مربوط به آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۱). از جمله مناطق حیاتی و موثر در معادلات ژئوپلیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس به منزله هارتلند جهانی قرار دارد. در حال حاضر خاورمیانه شامل کشورهای ایران، ترکیه، اردن، مصر، قبرس، شبه‌جزیره عربستان، عراق، فلسطین، سوریه، لبنان و سودان است. واژه خاورمیانه نخستین بار در سال ۱۹۰۲ توسط دریادار آمریکایی آلفرد ماهان برای توصیف منطقه بین خاور دور و خاور نزدیک به کار رفت. تاسیس اسرائیل در خاورمیانه و نیز آغاز و تداوم جنگهای متعدد اسرائیل و اعراب، همچنین افزایش اهمیت جهانی نفت، باعث کاربرد گسترده این واژه شد (محمدی، ۱۳۹۷: ۳۳). به لحاظ تاریخی خاورمیانه چهارراه پیونددهنده امپراتوریها، دودمانها، فرهنگها و ارتشها در زمان صلح و جنگ کسانانی بوده است که راههای دسترسی به سرزمین‌های حیاتی و راههای آبی تجاری را در اختیار داشته و این نیروی قدرتمند را به کار برده و فرصتهای چشمگیری را تصاحب می‌کرده‌اند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۱). منطقه خاورمیانه در میان مناطق استراتژیک جهان با دارا بودن ۱۵ کشور با ویژگیهای متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی، نمونه بارز و پیچیده‌ای را از رقابتهای، کنشها و واکنشها و جستجوی ایفای نقش ملی و منطقه‌ای به وسیله این

کشورها ارائه می‌دهد. از دیدگاه قدرت برتر جهانی این منطقه، کمان بی‌ثباتی استراتژیک نام گرفته و روند کلیدی در آن، اغتشاش و بی‌ثباتی استراتژیک می‌باشد. استراتژی دفاعی نوین آمریکا نیز بر متمرکز کردن تلاش‌ها روی توانمندیهای ماموریت‌های جدید در کمر بند بی‌ثباتی تاکید ویژه دارد. درک اهمیت خاورمیانه از سوی قدرتها و سایر کشورهای جهان و به تبع آن علاقه‌مندی آنها به برقراری روابط و بهره‌مندی هر چه بیشتر از مزایا و پتانسیلهای مختلف منطقه، باعث تلاش کشورهای خاورمیانه برای کسب هر چه بیشتر قدرت در سطوح مختلف شده است این امر خود بر پیچیدگی و وخامت این رقابتها می‌افزاید. افزایش قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها، برای اقتدار آنها، تاثیرگذاری، منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در مقیاسهای منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی به همراه خواهد داشت (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). ایران، ترکیه و عربستان به عنوان قدرت‌های برجسته در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت آینده این منطقه دارند. بنابراین، تحلیل ژئوپلیتیکی خاورمیانه از دیدگاه این بازیگران کلیدی منطقه‌ای اهمیت فراوانی دارد. چندقطبی بودن قدرت در خاورمیانه موجب بروز چالش‌هایی در مسیر ایجاد همگرایی و برقراری صلح شده است. در این پژوهش، ضمن بررسی رفتار سه قدرت برتر منطقه (ایران، ترکیه و عربستان) از منظر ژئوپلیتیک، موضوعاتی مانند جغرافیای مشترک منطقه، ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک صلح به منظور دستیابی به راهکارهای صلح‌آمیز در خاورمیانه مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲- پیشینه پژوهش

تحلیل ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و رقابت‌های بازیگران برتر منطقه از جمله ایران، ترکیه و عربستان همواره مورد توجه قرار گرفته شده است و تحقیقات مناسبی در این زمینه وجود دارد. تحقیقات ژئوپلیتیکی صورت گرفته عمدتاً رقابت‌های موجود میان بازیگران منطقه (ایران، عربستان و ترکیه) را مورد توجه قرار داده است. لذا این پژوهش ضمن بررسی ارتباط بین بازیگران، بر چگونگی دستیابی به صلح منطقه‌ای از طریق جغرافیای مشترک منطقه، ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک صلح را مورد تاکید قرار می‌دهد.

ویسی (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر منطقه جنوب غرب آسیا» به این نتیجه رسیده است که رابطه عربستان سعودی و ایران به سه دوره قابل تقسیم است؛ دوره نخست همزمان با سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران و دوره جنگ ایران-عراق است. در این دوره عربستان سعودی و هم پیمانانش در شورای همکاری به دنبال کمک به عراق برای تضعیف بیشتر ایران و فرسایشی شدن جنگ و تضعیف قدرت ملی هر دو کشور عراق و ایران بودند. در دوره دوم در دهه ۱۹۹۰، علی‌رغم تلاش برای نزدیکی بیشتر دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی به دلیل وجود چالش‌های ژئوپلیتیکی پایدار میان این دو قدرت منطقه‌ای، توفیق زیادی حاصل نشد. دوره سوم که با شروع سال‌های نخست هزاره سوم آغاز شده است، بیش از گذشته چالش‌های سیاسی، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی میان دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان افزایش یافته است. رقابت این دو کشور برای گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه خاورمیانه باعث تشدید، پخش و پایداری بیشتر بحران‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی در این منطقه شده است.

شهبازی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «همگرایی در خاورمیانه: چالش‌ها و راهکارها» به این نتیجه رسیده‌اند که کلید درب اول برای ورود به همگرایی در خاورمیانه، روابط مطلوب اقتصادی باشد. منطقه خاورمیانه به نوعی دارای دو گروه مشخص است. گروهی به رهبری عربستان، اتحاد اقتصادی با حضور شش کشور حوزه جنوبی خلیج فارس، مصر، اردن، بخشی از لبنان و بخشی از یمن را تشکیل داده‌اند. گروه دوم به رهبری ایران و با حضور عراق، سوریه، بخشی از یمن و بخشی از لبنان تشکیل شده است. حلقه رابط این دو گروه که روابط مطلوبی با هر دو طرف دارد، ترکیه است. بهبود روابط اقتصادی باعث حضور اتباع کشورهای مختلف در خاک همدیگر خواهد بود. این حضور باعث سرریز روابط اقتصادی به روابط فرهنگی و سیاسی خواهد شد. و به طور کلی می‌توان گفت روند همگرایی بر اساس نظریه نوکارکردگرایی در خاورمیانه قابل اجرا است. گام اول در بعد اقتصادی با محوریت دولت ترکیه، گام دوم بعد علمی و فرهنگی با محوریت ایران و ترکیه، و گام سوم و نهایی که تحت تاثیر دو گام قبلی قرار دارد، بعد سیاسی است که حول محور ایران، ترکیه و عربستان سعودی خواهد بود.

فرنیان (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقش قدرت‌های بزرگ منطقه (ایران، عربستان، ترکیه) بر آینده قدرت در خاورمیانه قرن بیست و یکم» به این نتیجه رسیده است که قدرت‌های بزرگ منطقه همچون کشورهای ایران، عربستان و ترکیه؛ هرکدام برآند تا با اعمال نفوذ خود در کشورهای دیگر، خود را به قدرت برتر (نظامی، اقتصادی و...) منطقه خاورمیانه بدل سازند. و تلاش سه کشور در به دست گرفتن زمام امور تحولات در کشورهایی مانند سوریه و یمن رقابت را در خاورمیانه قرن بیست و یکم بحرانی‌تر کرده است.

پوراسمعیلی (۱۳۹۶)، در رساله دکتری با عنوان «آینده نظام منطقه‌ای خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده است که وظیفه اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که با محوریت‌دادن به منافع خود و در نظر داشتن ملاحظات ترکیه و عربستان تلاش کند که دیدگاه سه کشور را درباره اینکه وضعیت مطلوب چیست، به همدیگر نزدیک کند. هر اندازه ایران قادر باشد، تعریفی مشابه از سناریوی مطلوب میان سه کشور ایجاد کند، به همان میزان ایران، ترکیه و عربستان قادر هستند در جهت تحقق سناریوی مطلوب اقدام کنند. در واقع در این مرحله است که سیاست خارجی کشور می‌بایست با تکیه بر همکاری و هماهنگی با ترکیه و عربستان، در جهت تحقق سناریوی مطلوب گام بردارد.

خلیلی و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی با عنوان «رقابت ایران و عربستان و تحولات مجموعه امنیتی خاورمیانه» به این نتیجه رسیده‌اند که رقابت ایران و عربستان پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ باعث افزایش ناامنی در خاورمیانه و افزایش مداخله قدرت‌های جهانی در منطقه شده است که نتیجه آن شکل‌گیری بحران‌های دامنه‌دار امنیتی و بی‌ثباتی بوده است.

متقی و عبدالله پور (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «نگرشی نو به ژئوپلیتیک خاورمیانه (بنیان‌ها، نظریه‌ها و کنشگران)» به این نتیجه رسیده‌اند که در منطقه خاورمیانه، سه ساختار ژئوپلیتیکی مسلط در منطقه یعنی ایران، ترکیه و اعراب به رهبری عربستان سعودی، میدان‌های غالب ژئوپلیتیکی در منطقه هستند که رفتار این بازیگران به کارگزاران ژئوپلیتیکی در منطقه جهت له یا علیه آنها را متعین می‌سازد. انگاره‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در سیاست‌های منطقه‌ای سه بازیگر مهم منطقه‌ای باعث تقابلات بر سر رفتارهای هژمونیک این سه واحد سیاسی در منطقه مزوپوتامیا می‌باشند. به

علاوه کارگزارهای ژئوپلیتیک در منطقه له یا علیه ساختارهای ژئوپلیتیک میدان‌های مسلط جهت تفوق یا تقلیل هژمونی آنها عمل می‌نمایند.

۳- مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

منطقه استراتژیک خاورمیانه که زمانی خاستگاه تمدن‌های اولیه بشری و محل ظهور ادیان بزرگ بوده است امروزه همچنان اهمیت خود را به عنوان یکی از مناطق مهم ژئوپلیتیک در جهان حفظ کرده است. خاورمیانه همواره با بحران و چالش مواجه بوده است و کشورهای منطقه، به ویژه بازیگران برتر منطقه از جمله ایران، ترکیه و عربستان اهداف جداگانه، مستقل و گاهاً متضادی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ژئوپلیتیک را جهت نفوذ در این منطقه اتخاذ کرده اند. لذا به ویژه طی دهه‌های اخیر بحرانها و چالش‌های ژئوپلیتیک بین بازیگران برتر منطقه در خاورمیانه حاکم بوده است. ماهیت شکننده خاورمیانه به عنوان یک قلمرو ژئوپلیتیک و ساختار قدرت منطقه‌ای چند هسته‌ای آن مانع تشکیل واحدهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا بخشی پایدار می‌شود. فقدان این واحدها باعث می‌شود تا استفاده موثرتر از منابع انسانی و مادی از طریق مکانیسم‌های تسهیم و انتقال محدود گردد. خاورمیانه به جای ارائه الگوی موزاییکی منطقه‌ای که بخش‌های مختلف آن یکدیگر را تکمیل می‌کنند، مجموعه‌ای از کشورهای رقیب و گروه‌های ذینفع می‌باشد. در این رقابت ایران، ترکیه و عربستان از مراکز مهم قدرت در خاورمیانه به شمار می‌روند (کوهن، ۱۴۰۰: ۴۴۳). به طور کلی می‌توان گفت چالش‌های موجود در خاورمیانه از جمله منازعات بر سر منابع انرژی و نفت، منازعات ایدئولوژیک، منازعات مرزی و غیره باعث برهم خوردن صلح در منطقه، و تشدید جنگ را در منطقه دامن زده است. بنابراین ضمن تحلیل وضعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه به ویژه از منظر بازیگران برتر منطقه (ایران، ترکیه و عربستان)، اقدامات لازم جهت برقراری صلح در این منطقه ضروری است و در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱ ژئوپلیتیک

واژه «ژئوپلیتیک» را یک دانشمند سیاسی سوئدی به نام رودولف شیلن (کیلن) در سال ۱۸۹۹ ابداع کرد. این واژه در قرن بیستم سابقه طولانی و متنوعی داشته است و بسیار فراتر از مفهوم اصلی آن در کار شیلن گسترش می‌یابد تا بیانگر یک نگرانی عمومی در خصوص جغرافیا و سیاست باشد.

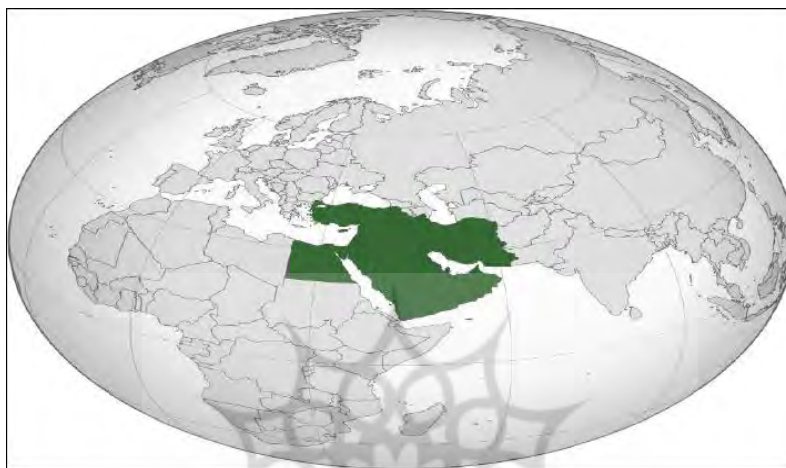
تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک ارائه شده است، گاه آن را به مثابه یک علم دانسته و گاه نیز در قالب دانش و گفتمان مطرح شده است (پیشگاهی فرد و نورعلی، ۱۴۰۲: ۱۲۷). هوفر در مجله ژئوپلیتیک در سال ۱۹۲۸ تعریف ژئوپلیتیک را برای اولین بار ارائه نمود: ژئوپلیتیک علم شکل‌گیری روندهای سیاسی بوسیله زمین است (O Tuathail, 1996: 36). آموس گیورا معتقد است ژئوپلیتیک رابطه‌ای میان دولت‌ها و درگیری‌شان با جامعه جهانی بزرگ‌تر است و تاکید ویژه‌ای را بر روی رابطه میان سیاست‌های دولتی و جغرافیا انجام می‌دهد. تاکید بر جغرافیا و جامعه جهانی بزرگ‌تر، نقشی اساسی را در ژئوپلیتیک ایفا می‌کند (گیورا، ۱۴۰۲: ۶۱). از دیدگاه کوهن ژئوپلیتیک عبارت است از تجزیه و تحلیل تعامل بین محیط‌های جغرافیایی و چشم‌اندازها از یک سو و روندهای سیاسی از سوی دیگر (برنارد کوهن، ۱۴۰۰: ۴۵). اتوماول می‌نویسد: ژئوپلیتیک به نیازهای فضایی کشور می‌پردازد و حال آنکه جغرافیای سیاسی، تنها شرایط فضایی آن را بررسی می‌کند (مویر، ۱۳۹۰: ۳۶۹). ژئوپلیتیک را می‌توان مطالعات مربوط به رابطه جغرافیا و سیاست جهانی دانست. عنوان ژئوپلیتیک برای اشاره به مطالعات عرصه، ادبیات و شیوه‌های جغرافیایی که بنیان سیاست جهان است، استفاده شده است (Agnew, 2003: 6). بعضی از اندیشمندان، بینش ژئوپلیتیک را به مثابه هر ایده‌ای که درگیر رابطه بین خود و دیگران است می‌دانند (dijkink, 1998: 11). پیتر تایلور می‌نویسد: ژئوپلیتیک عبارتست از، مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرتهای بزرگ و اصلی (Taylor, 1994: 330). از نظر برادن و شلی ژئوپلیتیک عبارت از مطالعه روابط و درگیری‌های بین‌المللی از منظر جغرافیا، به عبارتی مطالعه چشم‌انداز جغرافیایی روابط و منازعات بین‌المللی (Braden & Shelley, 2000: 5). کلاز دادز معتقد است ژئوپلیتیک رویکرد ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تاکید می‌نماید (Dodds, 2000: 162). فلینت ژئوپلیتیک را به عنوان مفهومی معرفی می‌کند که ایده‌های جنگ، سلطه و دیپلماسی را دامن می‌زند: «ژئوپلیتیک ممارست کشورها به منظور کنترل و رقابت در راستای قلمرو می‌باشد (Ahmadipour, 2015:4). در برخوردی کلی، ژئوپلیتیک به مطالعه روابط ساختاری «قدرتها» با هم، در دو راستای افقی (روابط قدرتهای هم‌تراز) و عمودی (روابط قدرتهای بزرگ‌تر و کوچک‌تر) می‌پردازد (مجته‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

۲-۳ خاورمیانه

نخستین بار مفهوم خاورمیانه توسط امریکایی‌ها (نه اروپایی‌ها) به کار رفت. این نواژه، در نخستین کاربرد خود به حوزه خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن گفته می‌شد؛ چنان که آلفرد ماهان نیز در سال ۱۹۰۲ از منطقه خاورمیانه همین مفهوم را اراده کرده بود (Yamahata, 2018). دو ماه پس از ماهان، چیرول، خبرنگار روزنامه انگلیسی «تایمز» لندن، شروع به انتشار مجموعه مقاله‌هایی با عنوان «مسئله خاورمیانه» کرد (Davison, 1963: 17). در نگاه جغرافیایی به مفهوم خاورمیانه، مرکزیت اروپا است که به خاور یا مشرق، از زاویه دوری و نزدیکی خود به این منطقه توجه داشته و آن را به خاور دور، میانه و نزدیک تقسیم کرده است؛ بر همین اساس برای بررسی مفهوم خاورمیانه باید تاریخ امپریالیسم را نیز در نظر داشته باشیم (Tibi, 1989: 55). خاورمیانه از میان همه مناطق جهان از دیرباز، اهمیت خاصی در نظر سیاستمداران و استراتژیست‌ها داشته است. بشریت به معنای تمدن و فرهنگ، نخست از این منطقه دیده به جهان گشود و جایگاه مهمترین ادیان سیاسی- اعتقادی جهان نیز در همین منطقه بوده است. بعدها، کشورهایی از این منطقه (مانند ایران)، چهار راه مواصلاتی و مراداتی جهان (در چارچوب ژئواستراتژی) شناخته شدند و قدرت‌ها برای مهار رقیبان و کنترل مستعمرات خویش، با چنگ و دندان به این مناطق چسبیدند. شاید مهمترین نکته‌ای که سرنوشت خاورمیانه را به بازی‌های سیاسی رقم زد، کشف منابع بزرگ انرژی بود؛ منابعی که خونی برای رگ‌های صنعت در جهان سرمایه‌داری بشمار می‌رود. مجموعه مزیت‌ها و پتانسیل‌های خاورمیانه باعث گردیده تا مردمان آن در طول تاریخ، سرنوشت خود را در دست قدرت‌هایی ببینند که از کیلومترها دورتر و در جایی آن سوی دنیا (که ربطی به آنها نداشت)، نوع و نحوه سیاست را در کشورشان تعیین می‌کردند (متقی و عبدالله پور، ۱۳۹۸: ۲۶). ویژگی جغرافیایی بی‌نظیر خاورمیانه این است که وسعت سرزمینی آن تقریباً تحت محاصره و نفوذ آب‌های مهم می‌باشد. اطراف خاورمیانه را پنج دریا- خزر، سیاه، مدیترانه شرقی، دریای سرخ/خلیج عدن و خلیج فارس- فراگرفته است. این آب‌ها نه تنها خاورمیانه را تعریف می‌کنند بلکه به لحاظ راهبردی برای قدرت‌های مهم حائز اهمیت هستند که در طول تاریخ درصدد دستیابی به کنترل کامل بر آنها برآمده‌اند. این منطقه با دارا بودن نزدیک به جمعیت ۴۵۰ میلیون نفری از ترکیه و ایران

در شمال تا خاور نزدیک یا شام، عراق و شبه جزیره عربستان در مرکز و تا تونس، لیبی، مصر و سودان در جنوب کشیده شده است (کوهن، ۱۴۰۰: ۳۷۶) (نقشه ۱).

نقشه (۱): نقشه سیاسی منطقه خاورمیانه در جهان



(منبع: فتحی و دیگران: ۱۳۹۷، ۸۷)

طی سال‌های پس از جنگ دوم جهانی کاربرد اصطلاح خاورمیانه به واسطه رونق روابط متقابل کشورهای خاورمیانه که به سبب مشترکات اسلامی-عربی فزونی می‌گرفت، رواج چشمگیری یافت. رفته‌رفته استفاده از اصطلاح خاورمیانه به کشورهای غیر عربی مانند ایران، ترکیه و اسرائیل هم گسترش یافت، چرا که این کشورها بنا به دلایل متعدد جغرافیایی-نظامی و اقتصادی (مسائل نفتی) با مجموعه کشورهای عربی روابط نزدیکی داشتند (Salehi, 2009: 10). دولت‌های مغرب (شامل الجزایر، تونس و...) ابتدا در محدوده خاورمیانه نبودند، اما در دهه ۱۹۸۰ میلادی و با ابلاغ اصطلاح جدید کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شرایط جغرافیایی سابق خاورمیانه تغییر کرد و خاورمیانه در مورد محدوده و وسیع‌تری به کار رفت (Abedi, 2009: 15). هر چند که خاورمیانه و قلب آن یعنی منطقه خلیج فارس دارای تمدن، تاریخ و فرهنگ کهنی می‌باشد، اما آنچه که این منطقه را در جهان به این درجه از اهمیت رسانده است، معادن سرشار انرژی خصوصاً «نفت» آن می‌باشد (Moeini Alamdari, 2001: 12). عربستان، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی از کشورهایی هستند که دارای بزرگ‌ترین منابع نفت در

جهان هستند. خاورمیانه همچنین دارای ذخایر عظیم گاز طبیعی است. ایران و قطر به ترتیب اولین و دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان را دارند (Ghorban, 2013: 13). حلقه خاورمیانه به شدت تحت تاثیر گفتمان قدرت و مداخله قدرت یا قدرت‌های خارجی شکل گرفته است. در دوران جنگ سرد خاورمیانه پس از اروپا و آسیا به سومین جبهه تبدیل شد و منابع نفتی آن را به اقتصاد جهانی پیوند زد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۱۰). علاوه بر آن قرار گرفتن بین دو گستره ژئواستراتژیک غرب و شرق به آن اهمیت بسیاری در چرخه جهانی قدرت بخشید.

۳-۳ ژئوپلیتیک صلح

در قرن‌های اخیر، ژئوپلیتیک ماهیت‌های مختلفی را داشته است گاهی در خدمت جنگ بوده و گاهی در خدمت صلح، و زمانی نیز قابلیت‌های اقتصادی به خود گرفته است. ژئوپلیتیک تا به حال با رویکردهای واقع‌گرا همراه بوده است. در ژئوپلیتیک سنتی حکومت‌ها به دنبال سرزمین و دستیابی به قدرت بودند بدین معنا که ژئوپلیتیک سنتی بیانگر دیدگاه‌های قدرتمندان از جهان بوده است. سپس با مواجه شدن با رویکردهای انتقادی و به چالش کشیدن فضای فکری حاکم؛ منجر به دگرگون شدن ژئوپلیتیک سنتی گردید و رهایی انسان در کانون توجه قرار گرفت و با جهانی شدن مفاهیم ژئوپلیتیک سنتی همچون جنگ، رقابت، هویت ملی، مرزهای سرزمینی... دچار تحول شد و مفاهیمی همچون انسان‌گرایی و صلح ژئوپلیتیک پدیدار گشت (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). ژئوپلیتیک صلح، وجود رابطه حسنه بین کشورها در روابط بین‌الملل که بر اساس اصل آزادی، دموکراسی، استقلال، حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ کرامت انسانی تمام شهروندان کشورها و همچنین عدم استفاده از هر نوع خشونت، تهدید، ایجاد رعب، ترس و وحشت، بین کشورها، یا شهروندان داخلی یک کشور، یا کشور دیگر، با حفظ احترام به محیط جغرافیایی و حل و فصل اختلافات مرزی و ارضی، سیاسی، استراتژیک، و ایدئولوژیک است (جوفار و یزدان‌پناه، ۱۴۰۳: ۷۴). ژئوپلیتیک صلح این مسئله را مورد توجه قرار می‌دهد که چگونه می‌توان سیاست‌های فضای سیاسی کره زمین را از طریق روشنفکران، موسسات و بازیگران حکومتی مورد بازنگری قرار داد. در این بین تصویرسازی ژئوپلیتیک صلح به عنوان یکی از ارکان مهم ژئوپلیتیک صلح در پی بازنمایی کدهای ژئوپلیتیک صلح از نحوه شکل‌دهی تا ایجاد گفتمان‌های صلح محور است. در سطح کلان، ژئوپلیتیک صلح کدهای جهانی و منطقه‌ای، و در سطح خرد کدهای داخل کشوری را تولید می‌کند.

تا جایی که به ژئوپلیتیک صلح برمی‌گردد بیشتر بسترها، زمینه‌ها و شاخص‌ها برای همزیستی، همکاری و همگرایی و تکوین اتحادیه‌های منطقه‌ای، جهانی و صلح‌سازی درون‌کشوری و میان‌کشوری مهیا است. لکن آنچه رهبران و مدیریت سیاسی را به سوی جنگ و صلح می‌کشاند درک متفاوت از تصویر سازی‌ها و بازنمایی‌هایی که با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی هر کشور از سوی منابع تولید می‌شود انجام می‌گیرد (عزیززاده طسوج و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۴).

۴- روش پژوهش

این نوشتار به تحلیل ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه از منظر بازیگران اصلی منطقه‌ای یعنی ایران، ترکیه و عربستان می‌پردازد. در این پژوهش، ارتباط و تعامل میان این قدرت‌های برتر منطقه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته و تاثیرگذاری آن‌ها در تحولات منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. همچنین چگونگی دستیابی به صلح میان این بازیگران کلیدی خاورمیانه به ویژه ایران، ترکیه و عربستان مورد بحث قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات آن بر اساس منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب، پایان‌نامه، رساله، مقالات و منابع اینترنتی معتبر انجام شده است.

۵- بحث و یافته‌ها

۵-۱ منطقه ژئوپلیتیک

یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص و برخوردار از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق است که عوامل پیونددهنده اجزای آن به خوبی آشکار و قابل تشخیص و شناسایی باشد. از نظر محیط فیزیکی، یک منطقه باید محیط یکپارچه‌ای باشد، یا دست کم، دارای ویژگیهای جغرافیایی و استراتژیک مشابهی باشد؛ از جمله واقع شدن در یک محیط بیابانی، مثل کشورهای صحرای افریقا، واقع شدن در یک فلات پهناور، مانند کشورهای فلات ایران (ایران، افغانستان و بخشی از آسیای مرکزی)؛ واقع شدن در یک شبه قاره، مانند کشورهای شبه‌قاره هند (هندوستان، بنگلادش، پاکستان، سریلانکا، نپال و بوتان)؛ واقع شدن در یک شبه جزیره، مانند کشورهای شبه‌جزیره عرب (عربستان سعودی، یمن، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی)؛ یا کشورهای شبه‌جزیره بالکان یا شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال)؛ واقع شدن بر گرد یک

دریا، مانند کشورهای خلیج فارس (ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی). مکیندر منطقه‌ای مرکزی برای جهان فرض کرده و آن را نخست «ناحیه محوری» و بعدها «سرزمین قلبی» نام داده و دیگر مناطق را به دو دسته «هلال داخلی» و «هلال خارجی» تقسیم کرده است. برخی از اندیشمندان امریکایی، از جمله اسپایکمن این مفهوم را گسترش دادند و مناطق پیرامونی در تئوری مکیندر را «منطقه حاشیه‌ای یا پیرامونی» خواندند و تعارف تازه‌ای را در چهارچوب تئوری «روابط ساختاری میان هارتلند و ریملند» مطرح ساختند که شالوده سیاست خارجی و جهان‌گرایی‌های ایالات متحده در باقیمانده قرن بیستم بر اساس آن ریخته شد. از دیدگاه ژئوپلیتیک عملی می‌توان جهان سیاسی را از باختر به خاور به چند منطقه عمده تقسیم کرد: امریکای شمالی (نفتا)، امریکای مرکزی، امریکای جنوبی (مرکو سور)، اروپای باختری (اتحادیه اروپا)، ناتو (اتحادیه نظامی ماورای اقیانوس اطلس)، اروپای خاوری (منطقه بالکان)، آفریقای واقع در جنوب صحرا، خاورمیانه و شمال آفریقا، خلیج فارس، خزر- آسیای مرکزی، آسیای جنوبی (سارک)، آسیای جنوب خاوری (آسه آن)، و آسیا- اقیانوس آرام (آپک) (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۲۳۰-۲۳۳، ۲۳۸-۲۳۹). منطقه از منظر ژئوپلیتیک عبارتست از، بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورهای واحدهای سیاسی- فضایی هم‌جوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی، که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیای خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از دیگر مناطق و نواحی مجاور متمایز شود (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۲). منطقه ژئوپلیتیک، دومین سطح ساختار ژئوپلیتیک است. اکثر مناطق تقسیمات فرعی قلمروها می‌باشند هر چند که برخی از آن‌ها بین دو قلمرو قرار گرفته یا مستقل از قلمروها می‌باشند. مناطق به واسطه نزدیکی جغرافیایی و تعاملات سیاسی، فرهنگی و نظامی و در بسیاری مواقع، به دلیل مهاجرت تاریخی و اختلاط مردم و تاریخ مشترک پیدایش ملل به هم متصل شده‌اند. مناطق قلمرو بحری عبارتند از امریکای شمالی و مرکزی، امریکای جنوبی، اروپای بحری، و مغرب و حاشیه آسیا- اقیانوسیه. آن‌ها از نظر جغرافیایی با دو اقیانوس بزرگ دنیا یعنی اطلس و آرام ایجاد شده‌اند. قلمرو قاره‌ای اوراسیا که امروزه شامل منطقه روسیه هارتلندی است تا بلاروس و شرق اوکراین، و استان

1 - Pivot Area

2 - Heartland

مولداوی مستقل ترانس نیستریا گسترش یافته که با حمایت روسیه اعلام استقلال کرده است. دو منطقه دیگر یعنی آسیای مرکزی و آن سوی قفقاز در این قلمرو قرار دارند. قلمرو شرق آسیا به دو منطقه سرزمین چین و هند و چین تقسیم شده است (هند و چین شامل کشورهای ویتنام، کامبوج و لاوس می‌باشد و تا شرق میانمار گسترده شده است). جنوب آسیا به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک مستقل از این قلمرو ژئواستراتژیک فاصله دارد و شامل هند، پاکستان، سریلانکا و غرب میانمار می‌باشد. چشم‌انداز بلند مدت برای این منطقه، تبدیل شدن به قلمرویی است که هدایت و رهبری آن در دست هند است و بخش‌های ساحلی حوزه اقیانوس آرام در افریقا و جنوب شرقی آسیا را شامل می‌شود. خاورمیانه و مناطق جنوبی صحرای افریقا کمربندهای شکننده محسوب می‌شوند. آینده منطقه همگرایی اوراسیا هنوز معلوم و مشخص نیست - ممکن است این منطقه به کمربند شکننده یا منطقه دروازه ژئوپلیتیک تبدیل شود (کوهن، ۱۴۰۰: ۹۵-۹۶) (نقشه ۲).

نقشه (۲): جهان ژئوپلیتیک: آغاز قرن بیست و یکم



(منبع: کوهن، ۱۴۰۰: ۹۷)

۵-۲ ژئوپلیتیک خاورمیانه

از جمله مناطق حیاتی و موثر در معادلات ژئوپلیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن، منطقه خلیج فارس به منزله هارتلند جهانی قرار دارد. بخشی از اهمیت خاورمیانه را می‌توان در نظریه‌های استراتژیکی آلفری ماهان، سر هالفورد مکیندی، همچنین نظریه بیضی استراتژیک انرژی (جنوب دریای خزر تا خلیج فارس) مشاهده کرد (حسین‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳). ژئوپلیتیک خاورمیانه از سه منبع تاثیر پذیرفته و شکل می‌گیرد:

۱- نخست سطح نظام بین‌الملل است. پیامد این تحولات در حوزه ژئوپلیتیک، شکل‌گیری یک مثلث با سه ضلع آمریکا، روسیه و چین است. چین حوزه امنیت ملی خود را تنها در منطقه شرق آسیا تعریف کرده است. روسیه، اصل را در منطقه شرق و شمال اروپا می‌داند. ضمن اینکه طی چند سال اخیر، در خاورمیانه نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. آمریکا تقریباً در همه مناطق جهان حضور خود را راهبردی و در چارچوب امنیت ملی خود تعریف می‌کند.

۲- دوم اینکه در سطح منطقه‌ای، خاورمیانه بیشترین آسیب را از نزاع ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ خواهد دید. تنها در خاورمیانه و به ویژه در یمن، عراق و سوریه است که بازیگران بومی، منطقه‌ای و بین‌المللی فعالیت مستقیم نظامی دارند.

۳- سوم سطح ملی مسائل ژئوپلیتیک خاورمیانه است. ژئوپلیتیک منطقه که با منابع فراوان مالی کشورهای حوزه خلیج فارس توان طراحی و قطب‌سازی اسرائیل و تلاش نظامی آمریکا در یک قطب و همکاری‌های ایران و روسیه و تحولات درون عراق و سوریه در قطب دیگری شکل خواهد گرفت. بر این اساس خاورمیانه فضای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شده و سطح توافق نیز در آن کاهش پیدا کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۳۱).

منطقه خاورمیانه در میان مناطق استراتژیک جهان با دارا بودن ۱۵ کشور با ویژگی‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی، نمونه بارز و پیچیده‌ای را از رقابت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها و جستجوی ایفای نقش ملی و منطقه‌ای به وسیله این کشورها ارائه می‌دهد. درک اهمیت خاورمیانه از سوی قدرت‌ها و سایر کشورهای جهان و به تبع آن علاقه‌مندی آنها به برقراری روابط و بهره‌مندی هر چه بیشتر از مزایا و پتانسیل‌های مختلف منطقه باعث تلاش کشورهای خاورمیانه برای کسب هر چه بیشتر قدرت در سطوح مختلف شده است. این امر خود بر پیچیدگی و وخامت

این رقابت‌ها می‌افزاید. افزایش قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها، برای آنها اقتدار، تاثیرگذاری، منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در مقایسه‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی به همراه خواهد داشت (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). عدم تکامل ژئوپلیتیکی کمر بند شکننده خاورمیانه در فقدان ویژگی‌های قابل توجه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نمود دارد. این منطقه فاقد کانون تاریخی یا سیاسی فعلی است تا به عنوان یک عامل متحد کننده عمل کند و در اکثر موارد «مناطق تمرکز اقتصادی و جمعیتی» ملی و سرزمین‌های ملی موثر آن، به طور فیزیکی آن قدر از یکدیگر فاصله دارند که مانع ایجاد اتحاد ناحیه‌ای می‌شوند. ویژگی‌های آن دارای تاثیر منطقه‌ای، مرزها و نواحی خالی می‌باشند و بیشتر موانعی بر سر راه تعامل محسوب می‌شوند تا عوامل تسهیل کننده (کوهن، ۱۴۰۰: ۳۹۵) (نقشه ۳).

نقشه (۳): کمر بند شکننده خاورمیانه: ویژگی‌های ژئوپلیتیکی



(منبع: کوهن، ۱۴۰۰: ۳۹۷)

۳-۵ ژئوپلیتیک ایران

ایران از نظر ژئوپلیتیکی، یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد و می‌تواند به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی اطراف خودش حضور داشته باشد. حوزه‌های ژئوپلیتیکی که ایران با آنها ارتباط دارد، دارای تشابهات و تجانس‌ها و منافع

مشترک می‌باشد و می‌تواند عامل پیوند برای تمامی این حوزه‌ها بوده و در جهت متشکل شدن این حوزه‌ها نقش موثری را بر عهده بگیرد (کلاتری و رسولی، ۱۳۹۸: ۱۵۱). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضایی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک موثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات راس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه بیضی‌شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به طوری که هر گونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک برجای می‌گذارد (جهانگیری و اطهری، ۱۳۹۷: ۵۶).

نقشه (۴): موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه خاورمیانه



(منبع: عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۹۷)

اهم موارد جغرافیای سرزمینی ایران را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- ❖ کل مرزهای جمهوری اسلامی ایران = ۸۵۷۴ کیلومتر
- ❖ مرزهای رودخانه‌ای = ۲۰۴۵ کیلومتر
- ❖ مرزهای خشکی = ۳۹۶۵ کیلومتر
- ❖ مرزهای دریایی = ۲۵۶۴ کیلومتر
- ❖ فقط ۷ درصد از صادرات و واردات کشور از ۶۳ درصد مرزهای زمینی انجام می شود.
- ❖ جمهوری اسلامی ایران در منطقه راهبردی آسیای جنوب غربی قرار دارد و در مرکز بیضی راهبردی انرژی جهان قرار گرفته است.
- ❖ در این منطقه بالغ بر ۶۰ درصد از ذخایر نفت و ۴۵ درصد از ذخایر گاز جهان قرار دارد.
- ❖ این موضوع ضمن ایجاد ظرفیت ترانزیتی برای کشور، وزن ژئوپلیتیک ج.ا.ایران را افزایش می دهد. این کشور دارای ۳۱ استان می باشد که بیشتر استان های بزرگ کشور در نیمه غرب و جنوب غرب واقع هستند (نقشه ۵)

نقشه (۵): موقعیت فضایی استان های ایران



(منبع: نگارندگان)

❖ دارای ۱۵ همسایه است که: با ۳ کشور مرز زمینی - با ۸ کشور مرز دریایی - با ۴ کشور همزمان مرز دریایی و زمینی دارد.

❖ ایران با ۱۲ همسایه خود (۸۰ درصد همسایگان) مرز دریایی دارد.

با توجه به اینکه کشور ما در قلمرو جغرافیایی هلال خصیب قرار دارد در صورت وحدت کامل جغرافیایی مجموعه شبه جزیره‌ای جنوب غربی آسیا و موقعیت کوهپایه‌ای دهلیز هلال خصیب که از شرق مدیترانه تا خلیج فارس و دریای عمان امتداد یافته است و کشورهای اردن، عراق، سوریه، لبنان، شبه جزیره عربستان و ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد و با در نظر گرفتن این واقعیت که سرزمین‌های واقع در اطراف این کریدور عملیاتی، به دلیل وضعیت خاص ژئوپلیتیکی خود در صورت ایجاد اتحاد به گونه‌ای که شرق مدیترانه و خلیج فارس و دریای عمان آزادی عمل کامل وجود داشته باشد، ثبات، پایداری و امنیت کامل را به دست خواهند آورد. در شرایط کنونی کشور جمهوری اسلامی ایران دارای موقعیت حساسی در بین کشورهای نامبرده می‌باشد زیرا از یک طرف به همراه کشور پاکستان گره‌گشای سیاست بری بوده (هر دو کشور مکمل عملیاتی ژئواستراتژی روسیه هستند) و از طرفی در مرکز جبهه پدافندی ژئواستراتژی بحری واقع شده‌اند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که هر گاه کشوری دارای یک موقعیت ژئواستراتژیک باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را از تحولات جهان دور نگه دارد و یا به عبارتی منزوی باشد. زیرا به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت، به عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور و ملت خود گام بردارد (مفخمی شهرستانی و نیرومند، ۱۳۹۸: ۲۶۵-۲۶۴).

نقشه (۶): موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و حوزه های پیرامون آن



(منبع: مفخمی شهرستانی و نیرومند، ۱۳۹۸: ۲۶۴)

۵-۴ ژئوپلیتیک ترکیه

مجاورت ترکیه با راه های آبی مهمی چون دریای سیاه و مدیترانه، و تنگه های بسفر و داردانل باعث شده است تا این منطقه همواره از اهمیت استراتژیکی خاصی در طول تاریخ برخوردار باشد. ترکیه از معدود کشورهایی است که موقعیت حساس ژئوپلیتیکی آن موجب شده است که حداقل طی نیم قرن اخیر مورد توجه قدرت های منطقه ای و جهانی قرار گیرد. در واقع ترکیه در موقعیتی قرار دارد که با مناطق ژئوپلیتیکی مهمی در ارتباط است. قرارگیری این کشور مابین خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و غیره به طریقی این کشور را در جریانات این مناطق سهیم می کند (سالاروند و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۴). اهمیت جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه متضمن موقعیت ژئواستراتژیکی این کشور در منطقه جنوب غرب آسیا و خاورمیانه است (Walker, Agu, 2007: 96). ترکیه در مناطق جنوب غرب آسیا، خاورمیانه و اورا سیا بازیگر عمده ای به حساب می آید و همین امتیاز موقعیت این کشور را میان کشورهای این منطقه تقویت می کند (Gun, 2010: 136).

ترکیه از لحاظ ژئوپلیتیک در راستای رقابت در حوزه حاکمیت و مناطق گذرگاهی شرق- غرب و شمال- جنوب مراکز قدرت زمینی و دریایی، دارای اهمیت مرکزی است (Weitz, 2009: 113). در راستای شمال- جنوب اتصال مجموعه خشکی اوراسیا به آب‌های گرم و آفریقا دو منطقه مهم خشکی (بالکان و قفقاز) و یک منطقه گذرگاه دریایی (تنگه‌ها) در ترکیه به تلاقی رسیده و این مناطق را به خاورمیانه به عنوان مرکز منابع ژئواکونومیک و منطقه خزر متصل می‌کند و در جهت شرق- غرب نیز شبه جزیره آناتولی مهمترین حلقه کمربند شبه جزیره دربرگیرنده بخش اصلی اوراسیا به شمار می‌رود (Yukselen, 2020: 12). از نظر داود اوغلو، ترکیه به علت موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود، عمق استراتژیکی دارد؛ از این رو، وی ترکیه را در زمره کشورهایی می‌داند که آنها را «قدرت‌های مرکزی» می‌نامد. داود اوغلو معتقد است که ترکیه نباید خود را محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا جنوب غرب آسیا کند؛ زیرا کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای؛ بنابراین باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۴). در مورد ترکیه از عنوان قدرت میانی منطقه‌ای استفاده شد، بدین معنی که این کشور یک قدرت سطح میانی در سیستم جهانی می‌باشد که در عین حال در منطقه جغرافیایی خودش، همانند جمهوری اسلامی ایران بازیگر کلیدی است که امکان دستیابی به موقعیت رهبری منطقه را نیز دارد. به اعتقاد برخی از کارشناسان سیاسی، ترکیه به عنوان یک الگو در منطقه خاورمیانه از طرف دول غربی خصوصاً آمریکا مورد حمایت است، ترکیه به ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، نمونه‌ای از یک کشور اسلامی است که به لحاظ گرایش‌های دینی، سیستمی میانه‌رو دارد که با لیبرال دموکراسی غربی نیز سازگار است (درخشه و دیوسالار، ۱۳۹۰: ۹۸). در حقیقت فعالیت‌های دولت ترکیه در داخل طی چند سال گذشته به ویژه در جهت دموکراسی‌سازی باعث شد تا بسیاری از تحلیلگران چه در منطقه و چه در خارج از آن، از حزب عدالت و توسعه به عنوان یک الگوی دموکراسی اسلامی بحث کنند، به ویژه اینکه در دوران اخیر که از نظر غرب دهه مبارزه با تروریسم بوده است، فعالیت‌های دموکراتیک حزبی با ریشه‌های اسلامی بسیار جلب توجه می‌کنند (Onis, 2007: 17).

جدول (۱): روش‌ها، اهداف خرد و کلان ترکیه در منطقه خاورمیانه

اهداف کلان ترکیه	اهداف خرد ترکیه	روش‌های ترکیه
------------------	-----------------	---------------

حمایت از اخوان المسلمین و جنبش های همسو با آن	دستیابی به سلطه اقتصادی در خاورمیانه	بازآفرینی نقش ترکیه به عنوان یک قدرت مستقل منطقه ای در برابر آمریکا و ناتو
ارائه کمک های نظامی به گروه های شورشی اسلام گرا	ترویج و شکل گیری صورت بندی دول اسلام سنی در لیبی و سوریه	بازتاسیس یک قلمرو شبه امپریال تاثیرگذار بر حوزه های سرزمینی و قلمرویی امپراتوری عثمانی
تقویت روابط اقتصادی با خاورمیانه، آسیای مرکزی و بالکان ورود به مناقشه اعراب و اسرائیل	جلوگیری از ایجاد دولت مستقل در کردستان عراق و هر گونه خودمختاری و مفصل بندی هویت کردی در کردستان سوریه	ترویج صورت بندی حکومت های اسلام سنی در خاورمیانه
امتیاز گرفتن از آمریکا و اروپا در جنگ با سوریه		دستیابی به جایگاه رهبری جهان اسلام
نبرد با حزب کارگران کردستان به عنوان یک ابردرشمن		احیاء عظمت امپراتوری سابق ترک ها (امپراتوری عثمانی)
		پیشبرد ترکیه به عنوان یک مدل موفق در رهبری دموکراتیک جوامع اسلامی

(منبع: متقی و عبدالله پور، ۱۳۹۸: ۱۷۰)

نقشه (۷): موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه



(منبع: yun.ir/07cdi1)

۵-۵ ژئوپلیتیک عربستان

کشور پادشاهی عربستان سعودی در زمان‌های قدیم و پیش از ظهور اسلام همواره میان دولت‌های محلی و منطقه‌ای منقسم بود و هیچ‌گونه قدرت واحدی بر آن حاکمیت نداشت. با ظهور اسلام در سراسر شبه جزیره، این منطقه برای اولین و آخرین بار تحت لوای اسلام به وحدت دست یافت. این کشور از سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل درآمد و علاوه بر آن در سازمان‌هایی نظیر یونسکو، هواپیمایی بین‌المللی، هواشناسی، سازمان بین‌المللی کار، بهداشت جهانی، اوپک، خواروبار و کشاورزی جهانی عضویت دارند. همچنین با کشورهای غیرمتعهد، اتحادیه عرب و کنفرانس اسلامی همکاری مستمر داشته و عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز می‌باشد (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۷). قرارگرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان (خلیج فارس و دریای سرخ) به این کشور موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده است. اما استفاده از هر دو آبراه یاد شده، مساوی است با عبور از تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب تحت نفوذ ایران و یمن قرار دارند. در راستای همین مساله، عربستان سعودی در پی یافتن مسیرهایی جهت جایگزین نمودن تنگه هرمز برای صدور نفت است؛ چرا که این کشور روزانه ده میلیون بشکه نفت از این راه صادر می‌نماید. در پی این موضوع، از سال ۱۹۷۵، این کشور سه طرح ساختمان خط لوله نفتی را برای این منظور اعلام کرد و هم زمان، مبادرت به سرمایه‌گذاری کلان در طرح گسترده تا سیس پایگاه نظامی در سواحل خلیج فارس نمود. گذشته از موقعیت جغرافیایی ویژه، عربستان به لحاظ فرهنگی نیز اهمیت شایانی دارد. برخاستن دین اسلام از شبه‌جزیره عربستان و قرار داشتن بیت الله الحرام در مکه و آرامگاه حضرت محمد (ص) در مدینه، کشور فعلی عربستان را از نظر تاریخی، در موقعیتی قرار داده است که در نظر بسیاری از مسلمانان جهان، به خصوص مسلمانان خارج از منطقه خلیج فارس، جلوه‌گاه اسلام است. در سراسر سال، میلیون‌ها نفر از مسلمانان جهان، این اماکن متبرکه را زیارت می‌کنند. حکام سعودی ضمن این که سالانه مبالغ هنگفتی از این بابت به دست می‌آورند، نقش میزبان مسلمانان و نگهداران امین حرمین شریفین را نیز بازی کرده، از این طریق برای حاکمیت خود اعتبار و امتیاز تحصیل می‌کنند. این کشور با بهره‌گیری از تبلیغات گسترده در میان مسلمانان، از پرستیژ بین‌المللی مناسبی برخوردار گردد. برای مثال، ملک فهد در مراسمی، خویش را به عنوان خادم الحرمین شریفین معرفی نمود. این گونه فعالیت‌های تبلیغی، به حاکمان سعودی این امکان را می‌دهد تا در

راستای جلب نظر مسلمانان و نیل به نقش رهبری جهان غرب موفق‌تر عمل کنند. حضور زائران خانه کعبه در این مکان، از یکسو به لحاظ مادی مبالغ‌ه‌نگفتی را به خزانه دولت وارد می‌سازد و از سوی دیگر، از نظر فرهنگی، احتیاج کشورهای مسلمان به این مکان مقدس از دیدگاه مذهبی، بینشی همراه با احترام برای عربستان سعودی به ارمغان آورده است. مهم‌ترین مولفه ژئوپلیتیکی کشور عربستان، وجود ۲۵٪ منابع نفت کل جهان در این کشور است؛ به گونه‌ای که عربستان می‌تواند روزانه ۱۲ میلیون بشکه، نفت تولید کند و به این وسیله بازار نفت جهان را در اختیار گیرد. این قدرت تولید، در سطح منطقه‌ای و جهانی به این کشور امکان داده است که در قیمت‌گذاری نفت و به طور کلی تولید، توزیع و مصرف آن، نقش خاصی را ایفا کند. ذخایر نفت عربستان، حدود ۱۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که شامل ۴/۱ ذخایر موجود دنیا و بیش از ۳/۱ درصد از کل ذخایر اپک می‌شود. ذخایر نفت این کشور را ۲۵۰ میلیارد بشکه نیز برآورد کرده‌اند. تولیدات نفتی عربستان، سالانه در اواخر دهه ۱۹۸۰، به مقدار ۲ میلیارد بشکه نفت بود که بعد از حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۹، عربستان سعودی ۱/۳ میلیارد بشکه نفت تولید کرد که بیشترین تولید نفت توسط یک کشور در جهان محسوب می‌شود. (متقی و عبدالله‌پور، ۱۳۹۸: ۲۳۰-۲۳۱).

نقشه (۸): موقعیت ژئوپلیتیکی عربستان در خاورمیانه



(منبع: ویسی، ۱۳۹۸: ۱۷۷)

عوامل موثر در تنظیم و اجرای سیاست خارجی عربستان را به دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی می‌توان تقسیم بندی کرد: در گروه عوامل داخلی مهم‌ترین عامل، وجود حرمین شریفین در شهرهای مکه و مدینه است. این دو مکان مقدس برای مسلمانان، عربستان را در کانون توجهات مسلمانان قرار داده است. علاوه بر آنکه سالیانه درآمد زیادی از طریق زائرین مکان‌های مذهبی عاید دولت عربستان می‌شود، به لحاظ سیاسی و فرهنگی موقعیتی ویژه را برای عربستان ایجاد کرده است. این کشور بین مسلمانان ادعای رهبریت جهان عرب و اسلام را دارد و با پشتوانه ثروت عظیم نفتی خود امتیازات سیاسی فراوان را بدست آورده است. بنابراین دومین عامل داخلی موثر بر سیاست خارجی عربستان نفت است. دارا بودن یک چهارم از ذخایر نفت جهان و توان تولید حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز آن چنان درآمدی را برای این کشور بوجود آورده است که توانسته سالیانه مبالغ کلانی را به تقویت بنیه نظامی و خرید تسلیحاتی از کشورهای خارجی و غربی اختصاص دهد و از سوی دیگر به یک کشور وام‌دهنده و کمک‌کننده بزرگ به سایر کشورها تبدیل شود که طبیعتاً کمک‌های مالی و اقتصادی عربستان زمینه‌های نفوذ این کشور در سایر کشورها را فراهم آورده است. موقعیت ژئوپلیتیک عربستان، و واقع شدن این کشور میان دو آبراه مهم و حیاتی، یعنی خلیج فارس و دریای سرخ؛ در روابط خارجی عربستان تاثیرگذار بوده است. این موقعیت استراتژیک عربستان امکان برقراری ارتباط این کشور با سراسر منطقه را از طریق دریا فراهم آورده و توانایی صدور آسان نفت را به عربستان داده است (حیدری موصول، ۱۳۹۶: ۲۲۴-۲۲۳). با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی تاثیرگذار عربستان در خاورمیانه، ژان ژاک شرایبر، اندیشمند آمریکایی بر این عقیده است که هر کشوری بر شبه‌جزیره عربستان مسلط شود بر همه قاره اروپا مسلط خواهد بود. طبیعی است هر کشوری که بر قاره اروپا مسلط شود، بر جهان حکومت خواهد کرد. افزون بر این دیده می‌شود این نظریه شرایبر نه تنها در طول تاریخ، بلکه تا به امروز هنوز در خور تامل است (پیشگاهی فرد و نورعلی، ۱۴۰۲: ۳۰۷).

۵-۶ ژئوپلیتیک ایران و ترکیه

منطقه خاورمیانه به دلیل داشتن اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بسیار فراوان، داشتن دولت‌های با ایدئولوژی‌های متفاوت، منابع گوناگون قدرت ملی و دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، همواره شاهد افت‌وخیزهای دولت‌های منطقه‌ای برای کسب جایگاه برتری و

رهبری در این منطقه راهبردی بوده است. جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از جمله دو قدرت عمده و بزرگ منطقه هستند که هر کدام با داشتن متغیرها و مولفه‌های گوناگون قدرت ملی، در صدد ایفای نقش هر چه موثرتر و معرفی خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار بوده‌اند. ج.ا.ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم داشتن مولفه‌های قدرت بسیار چشم‌گیرتر از ترکیه، به دلیل داشتن تنش با قدرت‌های بزرگ و نیز ترس و واکنش کشورهای منطقه خاورمیانه از احتمال گسترش انقلاب اسلامی به کشور خود، خیلی قادر به ایفای نقش موثر خود در این منطقه راهبردی نشد. در مقابل کشور ترکیه با در پیش گرفتن سیاست همراهی با غرب توانست از ظرفیت‌های خود برای تاثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و معرفی خود به عنوان یک کشور تاثیرگذار بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، به ایفای نقش در منطقه بپردازد، هر چند که با در پیش گرفتن سیاست‌های متناقض هنوز نتوانسته است خودش را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار ثابت کند (جانسیز و صالحیان، ۱۳۹۵: ۱۴۵). برای بررسی روابط ایران و ترکیه به یک چشم‌انداز تاریخی نیاز است. سیری کوتاه در گذشته دو کشور، گویای سابقه‌ای طولانی در مناسبات دو کشور است. با وقوع انقلاب در ایران، استمرار و ثبات در روابط دو کشور ایران و ترکیه به دلایلی با چالش مواجه شد. جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای جدید و تمایل به صدور ارزش‌های انقلاب به سایر مناطق، به یکی از منابع نگرانی ترکیه بدل گشت (Migdalovitz, 2010: 47). روابط جمهوری اسلامی ایران با ترکیه از سال ۲۰۰۲ پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان به رهبری حزب عدالت و توسعه وارد مرحله جدیدی شد که از آن به عنوان بهار روابط دو کشور یاد می‌شود. در این دوره مناسبات سیاسی ایران و ترکیه به طور چشمگیری افزایش یافت و رفت و آمدهای سیاسی در سطح بالا میان تهران و آنکارا فزونی گرفت. گسترش روابط دو کشور تا حدود زیادی متأثر از تحول در سیاست خارجی ایران و ترکیه است. این مساله به ویژه در سیاست خارجی ترکیه مشهودتر است. حمایت دولت اردوغان از فعالیت هسته‌ای ایران و تاکید بر صلح آمیز بودن آن و نیز انتقاد مکرر از رفتار دوگانه غرب در قبال برنامه‌های هسته‌ای در خاورمیانه، میزبانی چندین دور مذاکرات هسته‌ای ایران، مشارکت موثر در صدور بیانیه تهران در پرتو همراهی با قدرت نوظهور جهان یعنی برزیل، مخالفت با قطعنامه تحریم شورای امنیت علیه ایران در نوامبر ۲۰۰۹ و نیز عدم تبعیت از تحریم‌های یک

جانبه آمریکا و اروپا برای فشار بر ایران، از موضوعات مهم در تقویت روابط دوجانبه بوده است (Barkey, 2011: 12). وقوع بهار عربی روابط ایران و ترکیه را به طور خاص تحت تاثیر قرار داد و باعث تغییرات اساسی در بینش و موضع‌گیری‌های کشورهای منطقه شد (Maoz, 2012: 13-14). واكوی در روابط ایران با ترکیه علاوه بر هم‌جواری و ویژگی‌های تاریخی، دینی و فرهنگی یکسان، از این لحاظ که این کشور دومین ارتش ناتو و ششمین اقتصاد اروپا محسوب می‌شود، دارای اهمیت فراوان است. بین عوامل موثر بر روابط ایران و ترکیه عوامل رقابتی از جمله رقابت بر سر سوریه، عراق و حوزه نفوذ از بالاترین درجه اهمیت برخوردار هستند و این امر نشان دهنده این موضوع است که در آینده می‌توان شاهد گسترده‌تر شدن تعارضات ایدئولوژیکی و... در این مناطق شد. از سویی دیگر عواملی مانند همکاری در پرونده هسته‌ای و همکاری در حوزه انرژی می‌تواند از عوامل تاثیرگذار بهبود و وابستگی دو کشور ایران و ترکیه در طول زمان باشد. در واقع می‌توان بیان نمود که روابط ایران و ترکیه در بستری از واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک جاری است. این بستر متناسب با شرایط و ویژگیهای خود در هر زمان و موقعیتی، گونه‌ای از روابط را در میان دو کشور جلوه‌گر می‌کند. در حالت عادی ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت هم سطح همسایه در حالتی میان رقابت و همکاری با هم قرار دارند. این دو کشور در قالب همکاری اقتصادی، ترانزیت کالا و مسافر، انرژی، و همکاری امنیتی با هم همکاری می‌کنند، اما در مواردی مانند گسترش حوزه نفوذ در مناطق ژئوپلیتیک پیرامون، رهبری جهان اسلام، رقابت مذهبی، بازارهای کشورهای همسایه، به رقابت با همدیگر می‌پردازند. از این رو نمی‌توان روابط میان این دو کشور را در یک مسیر صاف و هموار پیگیری کرد، بلکه بسته به عرصه‌های مختلف ژئوپلیتیک روابط دو کشور تحت تاثیر قرار می‌گیرند به عبارت دیگر آنها در عین رقابت در رابطه با حوزه نفوذ در مورد امنیت و ثبات سیاسی دولت‌های همدیگر همکاری دارند. در مجموع می‌توان گفت در راستای الزامات ژئوپلیتیک روابط دو کشور در طیفی از همکاری و رقابت جریان خواهد یافت اما در ورود عناصر خارج از ژئوپلیتیک مانند ایدئولوژی (سیاست نئوعثمانگری...) و دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، این روابط را به سوی تنش پیش خواهد برد (عبدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱-۵۰).

۷-۵ ژئوپلیتیک ایران و عربستان

در پایان جنگ جهانی دوم الگوی نظام دوقطبی شکل گرفت و کشورهای منطقه به دو گروه تقسیم شدند: عراق به جبهه بلوک شرق و دیگر کشورها به جبهه بلوک غرب پیوستند. در رابطه ایران و عربستان این دوره تا انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش تداوم داشت و هر دو کشور تحت سیطره بلوک غرب قرار داشتند. سیاست دو ستونی ایالات متحده از دو کشور ایران و عربستان به اجراء گذاشته شد و ایران قبل از ۱۹۷۹ بعنوان محور تعادل ژئوپلیتیک خاورمیانه با کمک مکمل استراتژیک خود یعنی عربستان و با پشتیبانی قدرت بحری جهانی (ایالات متحده آمریکا) توانست پایداری نسبی را در منطقه برقرار سازد. در نتیجه طی سه دهه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه از یک امنیت نسبی خوبی برخوردار بود و همه کشورهای واقع در آن بجز عراق، بصورت مسالمت‌آمیز مسائل خود را حل می‌کردند و هیچ‌گاه برخوردهای خشونت‌آمیز بین آنها اتفاق نیفتاد. دو کشور همچنین در زمینه مسائل اوپک، فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی وحدت نظر داشته و هر دو نگرش یکسانی نسبت به شوروی و آمریکا داشتند. در این دوره در چارچوب نظام ژئوپلیتیک جهانی و عقبه‌های منطقه‌ای آن، عربستان و ایران دچار همگرایی ساختاری بوده و نیروی پیونددهنده بر نیروی جداکننده غلبه داشته است. در این دوره ایران از منزلت ژئوپلیتیک برتر نسبت به عربستان برخوردار بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خروج آن از ساختار ژئوپلیتیک غرب و فروپاشی پیمان ستو، و بروز زنجیره‌ای از تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه، روابط ایران و عربستان به سوی توسعه تضادها گرایش یافت. بعد از پایان جنگ ایران و عراق، روابط ایران و عربستان بهبود یافت. و مناسبات دو کشور به حالت عادی برگشت. از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ ه.ش روابط دو کشور ایران و عربستان رو به تیرگی نهاد. عواملی چون سیاست ایالات متحده نسبت به عربستان، سیاست خارجی ایران، تعارض در برداشت منافع، تحولات دنیای عرب، جنگهای داخلی در سوریه، یمن و... در شکل‌گیری این شرایط این دوره تاثیرگذار بوده است (رومینا، ۱۳۹۹: ۱۳۷-۱۳۵).

نقشه (۹): موقعیت ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه



(منبع: زارعی دارامودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷)

در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار، و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ و چندبعدی دارند. از آنجا که رویکرد هژمونیک و منافع و اهداف قدرت فرامنطقه‌ای هژمون در اولویت قرار دارد و همچنین دولت‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند، همکاری و مشارکت دولت‌های منطقه بر مبنای طبیعی و بلندمدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی بر همکاری با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود. جمهوری اسلامی ایران برای اینکه بتواند بر این تنگناها و چالش‌های ژئوپلیتیکی غلبه کند، در مرحله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپلیتیک کشورهای منطقه و در مرحله دوم تدوین سیاست خارجی مبتنی بر مبانی علمی ژئوپلیتیک است. ژئوپلیتیک عربستان نشان می‌دهد کشور عربستان از یک سو با خلیج فارس و از سمت دیگر با دریای سرخ مرتبط بوده است و طی دو قرن گذشته تلاش کرده است بر یمن و تنگه باب‌المندب مسلط شود. زیرا برای استفاده از آبراه‌ها باید از تنگه‌های باب‌المندب و هرمز عبور کند و این در حالی است که یمن بر باب‌المندب و ایران بر تنگه هرمز مسلط است و این امر نوعی تنگنای ژئوپلیتیک برای این کشور ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که این مسئله سبب شده عربستان همیشه احساس آسیب‌پذیری کند. عربستان نفت خود را از طریق این دو تنگه صادر می‌کند و در صورتی که تنگه‌های یادشده بسته شوند، در عمل صادرات نفت این کشور قطع می‌شود. بنابراین، برای رفع این تنگنا به جنوب چشم دوخته است. سیاست عربستان طی این سال‌ها این بوده که به

هر نحو ممکن به دریای آزاد دسترسی پیدا کند. در جنوب عربستان دریای عرب واقع شده که دریایی آزاد است و از طریق آن می‌توان به اقیانوس هند دسترسی یافت. اما استان‌های ظفار عمان و حضرموت یمن واقع در کنار دریای عرب از موانع عمده دسترسی عربستان به دریای آزادند. بنابراین، این کشور همواره سعی کرده است این تنگناها و موانع ژئوپلیتیک را از میان بردارد (موسوی شهیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۳). در حال حاضر به طور کلی روابط ایران و عربستان سعودی در روند ژئوپلیتیک منطقه‌ای سیر بن‌بست سیاسی و تقابل هویتی پیدا کرده است. این مسئله به خاطر دلایل متعددی از جمله: گزاره اول اینکه، در یک نگاه کلان در چند دهه گذشته روند ژئوپلیتیک منطقه با ترکیبی از جست‌وجوی هژمونی، مقاومت و توازن‌سازی روبه‌رو بوده است. تلاش هر کشور برای ایفای نقش هژمونی معمولاً با مقاومت طرف‌های دیگری روبه‌رو شده است و این خود یک چرخه معیوب و انگیزش بی‌اعتمادی را در منطقه برجسته کرده است. گزاره دوم اینکه، در دیالکتیک نقش‌یابی هژمونی و توازن‌سازی، در یک دهه گذشته نوعی دوقطبی هویتی/ذهنی و تنگنای امنیتی در منطقه شکل گرفته است. فعال شدن دوباره گسل‌های تعارض و شکاف‌های ذهنیتی و هویتی، هراس از «قدرت‌گیری ژئوپلیتیک» و بسط «نفوذ هویتی» دیگری، منجر به گذار از رقابت هویتی/موقعیتی به تقابل و امنیت‌یابی هویتی در روابط ایران و عربستان شده است. این فرایند که متأثر از «شناسه‌های ژئوسایکولوژیک و میراث ژئوهیستوریک» است، با تسلط تفکر تهاجمی در داخل دو کشور امتزاج پیدا کرده است. به گونه‌ای که ماهیت نرم‌افزاری رقابت کم‌رنگ و سخت‌افزاری آن برجسته‌تر شده است. شدت باز نمود آن را در قطع مناسبات دیپلماتیک و گسترش دامنه جنگ‌های نیابتی/کم‌شدت می‌توان شاهد بود. گزاره سوم آنکه، برآیند این تنش درون منطقه‌ای، ایران و عربستان از آن در را ستای بسط‌سازی محیطی، سنجش قدرت و تقویت موقعیت خود در منطقه بهره می‌گیرند. با وجود این، درگیری‌های منطقه‌ای از یک سو، ادراک تهدید و انگیزش بی‌اعتمادی بین دو کشور را تشدید کرده است و از سوی دیگر، این انگیزش بی‌اعتمادی خود به تقویت تعارض‌های چند جانبه کمک کرده است. در نتیجه، بحران‌سازی مکرر، تداوم تقابل‌های هویتی و رقابت‌های موقعیتی عنصر غالب مناسبات ایران و عربستان در روند کنونی ژئوپلیتیک منطقه‌ای است (حق شناس و همکاران، ۱۳۹۶: ۳).

در مجموع می‌توان گفت روابط چندین ساله ایران و عربستان سعودی همواره میان‌الگوی تعامل و منازعه در نوسان بوده است. به طوری که هر زمان حوزه نفوذ یکی از این کشورها در منطقه افزایش یافته است، دیگری در برابر این مسئله واکنش نشان داده و در محدود کردن آن به عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب کوشیده است. در یک دهه گذشته به ویژه بعد افزایش قدرت شیعیان در عراق و لبنان و همچنین افزایش نفوذ ایران بعد از انقلاب‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۱۰، عربستان سعودی با همه ابزارهای خود در برابر آن ایستاد و مانع از یکه تازی ایران در منطقه شد. این سیاست سبب شد تنش و منازعه در روابط دو کشور به اوج خود برسد تا اینکه به قطع رابطه و دوری از تعاملات دو طرف منجر شد (زارعی دارامرودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

بعد از چندین سال قطع رابطه بین ایران و عربستان سعودی، در نوزدهم اسفند ۱۴۰۲، چین میانجی یک توافق تاریخی شد که هدف از آن احیای روابط عربستان سعودی و ایران بود. توافق ایران و عربستان با وساطت چین، یک موفقیت بزرگ برای منطقه خاورمیانه و فراتر از آن است. بحرین، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی، عراق، الجزایر، مصر، پاکستان، سودان، ترکیه، فرانسه، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از این توافق استقبال کردند. کاخ سفید نیز از آن استقبال کرد و گفت که «ما از هر تلاشی برای تنش‌زدایی در منطقه حمایت می‌کنیم و فکر می‌کنیم این به نفع خود ما نیز هست» (شفیعی، ۱۴۰۲: ۸-۷). بنابراین می‌توان با درپیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و دوری از کشمکش‌های منطقه‌ای، زمینه برقرار صلح بین ایران و عربستان سعودی، و در کل منطقه خاورمیانه را فراهم کرد.

۸- بنیادهای جغرافیایی مشترک و تاکید بر ژئوپلیتیک صلح

برای شناخت سیاست در یک سرزمین ناچاریم دسته‌ای از واقعیت‌های جغرافیایی مربوط به آن سرزمین را که می‌توانند بر مسائل سیاسی تأثیر نهند و یا عملاً تأثیر می‌نهند مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر، شناخت جغرافیا یکی از پایه‌های شناخت سیاست در یک سرزمین است (Petersen, 2002: 23). در گذشته جغرافیا نقش مهمی در حیات بشری داشته است. با پایان یافتن سده بیست، و خروج جهان از دنیای دوقطبی نوعی آزادی به سوی جهان گشوده شد، جهانی شدن بیش از پیش بر ابعاد آن افزود و نظریه‌های همگرایی، همزیستی و... نیز بنیادهای نظری آن را فراهم کرد. در این

چهارچوب نظریه کاهش ارزش و اهمیت جغرافیا طرح شد، اما به نظر می‌رسد نه تنها جغرافیا جایگاه خود را از دست نداده بلکه با توجه به پیچیدگی مسائل بشری، جغرافیا و کارکرد آن در ابعاد مختلف زندگی بشری به قوت خود باقی است و در توان دارد تا در عصر دگرگونی‌های فشرده سده بیست و یک نیز به کمک بشر آید. یکی از آن زمینه‌ها که حیات مدرن در خاورمیانه به شدت نیاز دارد برقراری صلح در خاورمیانه و بین سه بازیگر برجسته آن (ترکیه، ایران و عربستان) است. یکی از ابعاد صلح جغرافیا است و دست‌یابی به صلحی فراگیر در منطقه بدون توجه به شناخت جغرافیا امکان‌پذیر نیست، بنابراین می‌توان گفت که صلح می‌تواند زیربنای جغرافیایی (در اینجا جغرافیا تنها فیزیک نیست بلکه به تمام آنچه در جغرافیا جای دارد و در صدر آن انسان و نحوه تفکر آن) داشته باشد. جغرافیا؛ موقعیت جغرافیایی، بنیادهای فرهنگی، هم‌سایگی و حتی ایدئولوژی را نیز به نوعی تعیین می‌دهد، از این رو می‌توان گفت که جغرافیا نقاط قوت و ضعف را هم شکل داده و کشورهای مورد مطالعه (ایران، ترکیه و عربستان) را به سمت اهداف و منافع مشترک هدایت می‌کند. از این مرحله به بعد سازه‌های سیاسی هستند که با تشخیص درست خود باید اهداف و منافع مشترک را مشخص کنند و به سمت همزیستی و همگرایی، و سرانجام صلح گام بردارند. بنابراین می‌توان گفت بیشتر بسترها، زمینه‌ها، و شاخص‌ها؛ برای همزیستی، همکاری، همگرایی و تکوین اتحادیه‌های منطقه‌ای و جهانی و صلح‌سازی میان ایران، عربستان و ترکیه در جغرافیا همواره مهیا بوده است و آنچه رهبران و مدیریت سیاسی این سه کشور را به سوی جنگ‌سازی و صلح‌سازی می‌کشاند جغرافیا نیست، بلکه تا اندازه‌ای متاثر از شیوه نگرش آنان به جهان، تشخیص منافع و اهداف، و به ویژه پدیده همسایگی است (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۹-۱۰۰). جغرافیای مشترک بین ایران، ترکیه و عربستان به عنوان یکی از عوامل مهم ژئوپلیتیک صلح در خاورمیانه محسوب می‌شود، زیرا اشتراکات جغرافیایی علاوه بر ایجاد همپوشانی‌های اقتصادی و فرهنگی، زمینه‌های همکاری منطقه‌ای را تقویت می‌کند. موقعیت استراتژیک این سه کشور در نقطه تلاقی قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا دسترسی به منابع طبیعی ارزشمند و مسیرهای ترانزیتی حیاتی، موجب می‌شود که حفظ ثبات و امنیت در این حوزه جغرافیایی برای همه بازیگران حیاتی باشد. از این رو، جغرافیای مشترک نه تنها می‌تواند محرکی برای منافع مشترک و کاهش تنش‌ها باشد، بلکه بستری برای توسعه همکاری‌های متقابل در زمینه‌های انرژی، تجارت و امنیت منطقه‌ای فراهم می‌آورد که

در نهایت می‌تواند به تثبیت صلح و همگرایی در خاورمیانه منجر شود. ژئوپلیتیک صلح از جنگ، خشونت و بحران‌سازی حمایت نمی‌کند، بلکه به دنبال توجیه راه‌حل‌های بحران‌زدایی، خشونت‌زدایی، نابرابری‌زدایی و به طور کلی رنج‌زدایی از انسان‌هاست و تجویزکننده روابط مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها و دولت‌ها، انسان‌های ساکن در فضاها، جغرافیایی و بازیگران سیاسی است و از توسعه قابل تحمل و پایدار و نیز حفظ محیط زیست برای زندگی مطلوب و بهینه انسان‌ها حمایت می‌کند. ژئوپلیتیک صلح در برابر خواست جبارانه و خودکامگی بازیگران سیاسی و صاحبان قدرت که درد و رنج انسان‌ها را با هدف بقای فرمانروایی خود سبب می‌شوند موضع‌گیری نموده و از همکاری با آنان خودداری می‌نماید (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰). کوهن بیان می‌کند برخلاف ژئوپلیتیک سنتی که ابزاری برای جنگ و تنش بود، از ژئوپلیتیک نوین می‌توان برای اجرای صلح بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده کرد، که مطالعه کاربردی رابطه فضای جغرافیایی با سیاست را ممکن می‌سازد و برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و صلح می‌تواند به خدمت درآید. وی ژئوپلیتیک نوین را برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و برقراری صلح مفید می‌داند و بر مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی یا سیاست و تاثیر متقابل الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها با اندیشه، موسسات و تعاملات سیاسی تعریف کند (Wood & Demko, 1998: 4). ژئوپلیتیک در طول تاریخ خود با مفاهیمی چون جنگ، رقابت و قدرت همراه بوده است؛ در ژئوپلیتیک سنتی حکومت‌ها به دنبال قلمرویی؛ مدیریت سرزمین و دستیابی به قدرت بودند به گونه‌ای که ژئوپلیتیک سنتی بیانگر دیدگاه‌های قدرتمندان از جهان بود؛ اما تحولات صورت گرفته در عرصه‌های مختلف زمینه‌ساز شکل‌دهی به مباحث جدید در عرصه مطالعه ژئوپلیتیک گردید. اندیشه حاکم بر ساختارهای و نظام بین‌المللی در زمان معاصر با ظهور و تجلی اولویت‌های مادی و معنوی جدید از جمله: نیاز بشریت به زندگی در فضای صلح، اهمیت گام برداشتن به سوی توسعه و کرامت انسانی بر پیشگیری از درگیری‌های مسلحانه و کاهش خشونت‌های ناشی از جنگ تقدم یافته است. و در چنین فضایی لزوم ژئوپلیتیک صلح در منطقه و حتی در جهان اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین ژئوپلیتیک صلح با تاکید بر غالب ساختن گفتمان صلح در منطقه، شکل‌گیری هویت‌های جدید منطقه‌ای (هویت‌های تنش‌زدا و صلح‌گرا)، رعایت حقوق بشر و کرامت انسانی در منطقه، شکل‌گیری مجموعه امنیتی جدید منطقه‌ای (جهت برقراری امنیت و صلح)، تشنج‌زدایی و

اعتمادسازی میان کشورهای منطقه... زمینه برقراری صلح بین ایران، ترکیه و عربستان را تقویت می‌کند (عزیززاده طسوج و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۶-۱۴۵). در مجموع می‌توان گفت ژئوپلیتیک صلح به عنوان یکی از عوامل کلیدی در فرآیند دستیابی به ثبات و امنیت در خاورمیانه بین ایران، ترکیه و عربستان مطرح است، زیرا این مفهوم بر نقش استراتژیک تعاملات سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان این بازیگران منطقه‌ای تأکید دارد. در واقع، ژئوپلیتیک صلح فراتر از صرفاً نبود جنگ است و شامل ایجاد سازوکارهای همکاری، مدیریت تضادها و توازن قدرت به گونه‌ای است که منافع مشترک را تقویت کرده و زمینه ساز کاهش تنش‌ها شود. با توجه به ساختار چندقطبی خاورمیانه و رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان این کشورها، توجه به ژئوپلیتیک صلح می‌تواند به عنوان چارچوبی راهبردی عمل کند که از طریق دیپلماسی فعال، توافقات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی، مسیرهای جدیدی برای همگرایی و ثبات پایدار فراهم آورد و در نهایت به کاهش مخاطرات امنیتی و تقویت انسجام منطقه‌ای منجر شود.

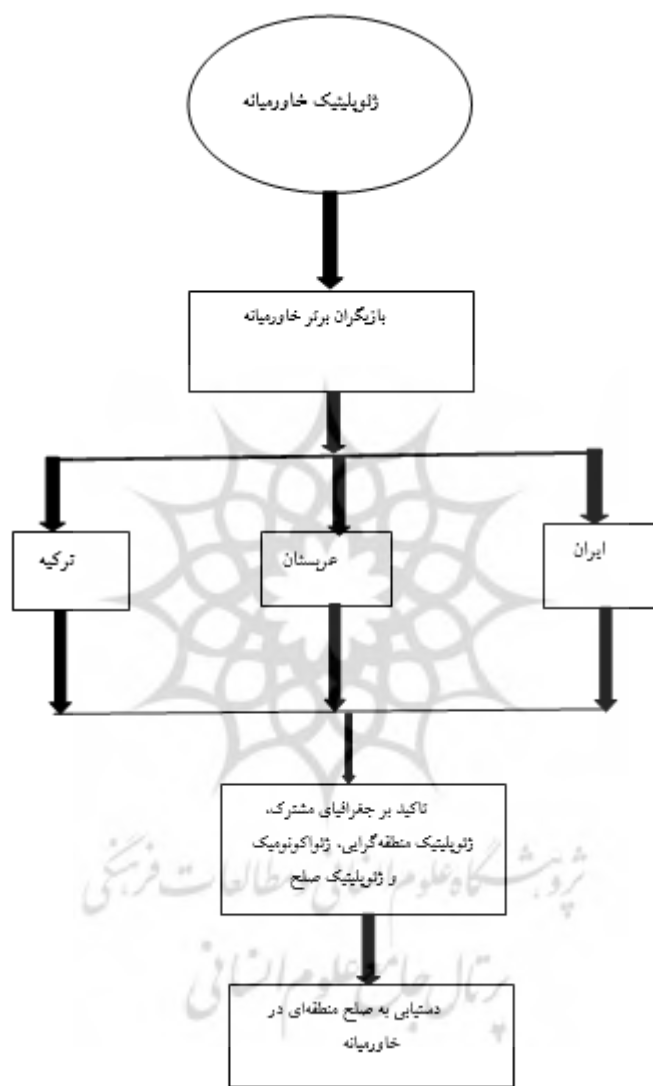
۹- ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی و ژئواکونومی

منطقه از منظر ژئوپلیتیک عبارت است از، بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی- فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی، که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از دیگر مناطق و نواحی مجاور متمایز شود. منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از نظر ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد. هویت‌یابی منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه جغرافیایی متجانس و عوامل مربوط به آن است. در یک منطقه ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولتها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای و به ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را برمی‌انگیزانند. اصولاً ژئوپلیتیک که به عنوان رویکرد مطالعه «نفوذ و تاثیرگذاری مولفه‌های جغرافیایی بر اقدام و عمل سیاسی»، یا تاثیر عوامل جغرافیایی بر روابط یا کشمکش بین دولتها، تعریف می‌شود، سابقه طولانی در تاریخ سیاست بین‌الملل دارد. شاید از همان ابتدای شکل‌گیری نظم جغرافیایی دولت‌محور و ستفالیایی در عرصه

روابط بین‌الملل، عامل مهم و پایدار و تاثیرگذار جغرافیا خود را در قالب مرزبندی‌های درون و برون‌سیستمی بر رفتار سیاستمداران و سیاستگذاران نشان داد و آنان را از خود متاثر کرد. جغرافیا به عنوان عاملی موثر بر رفتار کشورها، صحنه‌ای برای انجام عملیات راهبردی و همچنین یکی از عناصر مهم قدرت ملی، همواره مورد توجه سیاستمداران و استراتژیست‌ها بوده است (زارعی و رشیدی، ۱۳۹۷: ۱۵). داشتن اراده سیاسی، عدم دخالت قدرتهای خارجی، همکاری‌های مشترک سیاسی، و به ویژه اشتراکات اقتصادی از زمینه‌های لازم در رسیدن به ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی است. همگرایی اقتصادی منطقه‌ای فرآیندی است که طی آن کشورهای مختلف در یک منطقه توافق می‌کنند تا با کاهش و رفع موانع و محدودیتهای تجاری و اقتصادی موجود بین خود، با تصمیم‌گیری و مدیریت مشترک دارایی‌ها و منابع، سیاست‌های تجاری، مالی و پولی خود را هماهنگ کنند. از منظر اقتصادی، منطقه‌گرایی فرآیندی است که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها و به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود. در واقع توسعه منطقه‌گرایی یکی از اشکال اقتصادی و پولی، و سپس به همگرایی سیاسی و امنیتی منتهی خواهد شد (زارعی و رشیدی، ۱۳۹۷: ۲۴). طرفداران منطقه‌گرایی اقتصادی معتقدند، توسعه اقتصادی نخستین گام برای توسعه منطقه‌ای است و از جمله می‌توان به منطقه‌گرایی در آسیای شرقی اشاره کرد امروزه با نزدیک شدن رشته‌های روابط بین‌الملل با ژئوپلیتیک شاهد تاثیرپذیری دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی از مکاتب و اندیشه‌های سیاسی مانند رئالیسم‌گرایی، کارکردگرایی، سازه‌انگاری، لیبرالیسم و... هستیم در نتیجه اندیشه‌های ژئوپلیتیکی جدیدی ظهور و بروز یافته‌اند. پیدایش شاخه‌های مهمی چون ژئوکالچر، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک انتقادی، ژئوپلیتیک صلح و... در این چارچوب قابل توجه می‌باشد (مومن زاده، ۱۳۹۷: ۷۷). ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به عنوان بعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد. اگرچه از قدیم استفاده از ابزارهای اقتصادی در سیاست وجود داشته ولی پس از جنگ سرد و جهانی شدن که رویکردهای اقتصادی مورد توجه

بیشتر قرار گرفتند، بحث ژئواکونومی نیز روزه‌روز در سیاست‌های داخلی و خارجی (منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی) بیشتر مطرح شده است (مختاری‌هشی، ۱۳۹۷: ۵۶). قرن ۲۱ جایگزین شدن اهداف ژئواکونومیک به جای اهداف و قلمروهای ژئواستراتژیک است و با تحولاتی که در جهان بوقوع پیوست محور استراتژی‌های جهان در کلیه سطوح بر اساس مفاهیم ژئواکونومیک قرار گرفته است، برخلاف دوران جنگ سرد با فروپاشی دیوار برلین (۱۹۸۹-۱۹۴۷) جهان به این نتیجه رسید که جنگ راهکار نیست و دنیا به سمت استراتژی‌های اقتصادی برای رسیدن به اهداف سیاسی، نظامی و... کشیده شد. نظام جهانی به سوی رقابتهای کلان اقتصادی در حال حرکت است یعنی جهان از مرحله زیربنای ژئواستراتژیک عبور کرده و به سوی زیربنای ژئواکونومیک می‌رود. نقش اقتصاد، امروزه در تحلیل دولت‌ها و روابط بین آنها نقش غیرقابل انکار است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۴). در حال حاضر یکی از رویکردهای مهم و مورد وثوق تحلیل‌گران مطالعات کلان منطقه‌ای و بین‌المللی، رویکرد ژئواکونومیک در مناطق ژئوپلیتیکی جهان (از جمله خاورمیانه) است. این رویکرد که محصول پس از جنگ سرد و اهمیت‌یابی اقتصاد و مولفه‌های آن به جای نظامی‌گری و مناطق ژئواستراتژیک است (زارعی، ۱۳۹۷: ۳۸۳). بازیگران منطقه خاورمیانه (ایران، ترکیه و عربستان) می‌توانند با ژئواکونومیک کردن جنبه‌های رقابت در منطقه به جای ژئوپلیتیک و نظامی کردن آنها، تحکیم مزیت‌های ژئواکونومیک در منطقه، و تقویت ارتباطات ژئواکونومیک در جهت دستیابی به صلح منطقه‌ای قدم بردارند. بنابراین در ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی میان بازیگران برتر منطقه‌ای خاورمیانه (ایران، عربستان و ترکیه) با تاکید بر جغرافیای مشترک، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک صلح می‌توان به امنیت پایدار و صلح منطقه‌ای دست یافت.

شکل (۱): نمودار تحلیل ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه با تاکید بر دستیابی به صلح منطقه‌ای



(منبع: نگارندگان)

۱۰- راهکارهای دستیابی به صلح پایدار منطقه‌ای (ایران، ترکیه و عربستان)

جغرافیای مشترک و تقویت همگرایی جغرافیایی

- ❖ توسعه زیرساخت‌های مشترک حمل و نقل (کریدور ریلی و جاده ای ایران-ترکیه-عربستان)
- ❖ ایجاد مکانیسم‌های امنیت جمعی مبتنی بر مرزهای مشترک و حفاظت از کریدورهای حیاتی (مانند تنگه هرمز، باب‌المندب و رودهای فرامرزی)
- ❖ همکاری در مدیریت منابع طبیعی، به ویژه آب (رودخانه‌های مرزی و مشترک)
- ❖ ایجاد مناطق مرزی امن با رویکرد توسعه محور

ژئوپلیتیک صلح

- ❖ بازتعریف مرزهای ژئوپلیتیکی از تقابل به تعامل
- ❖ گفتمان‌سازی مشترک در مورد صلح و همزیستی با ترویج مفاهیمی مانند «امنیت جمعی منطقه‌ای»، «همگرایی تمدنی» و «صلح نهادینه شده»
- ❖ شناسایی و فعال‌سازی پیوندهای ژئوکالچر با تاکید بر عناصر مشترک تمدنی میان ایران، ترکیه و عربستان از جمله تاریخ اسلامی مشترک و آیین‌های دینی مشترک
- ❖ شناسایی مشترکات فرهنگی و دینی در قالب برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و گردشگری منطقه‌ای
- ❖ تبدیل تهدیدهای مشترک به فرصت همکاری: در چارچوب ژئوپلیتیک صلح تهدیدهای فرامرزی مانند تغییرات اقلیمی، بی‌آبی، تروریسم و مهاجرت، به عنوان زمینه‌های مشترک برای همکاری چندجانبه دیده می‌شوند.

ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی

- ❖ تقویت نهادهای منطقه‌ای موجود (مانند سازمان همکاری اسلامی یا اکو) با محوریت حل منازعه و توسعه پروژه‌های زیرساختی مشترک
- ❖ طراحی پیمان امنیتی خاورمیانه جهت محدودسازی رقابت‌های نظامی و افزایش شفافیت امنیتی

ایجاد نهاد منطقه ای مشترک

- ❖ تاسیس مجمع همکاری خاورمیانه‌ای با حضور سه کشور و دیگر بازیگران کلیدی منطقه
- ❖ ایجاد نهاد داوری برای حل اختلافات امنیتی و سیاسی
- ❖ همکاری اطلاعاتی برای مقابله با تهدیدهای فراملی (تروریسم، قاچاق، مهاجرت)

بهره گیری از ژئواکونومی

- ❖ ایجاد بازار مشترک انرژی
- ❖ ایجاد کریدور اقتصادی ایران-ترکیه-عربستان با محوریت ترانزیت کالا و توسعه بنادر مشترک
- ❖ تسهیل تجارت منطقه‌ای
- ❖ صندوق سرمایه گذاری مشترک برای توسعه مناطق محروم مرزی

دیپلماسی صلح و گفت و گوی منطقه‌ای

- ❖ ترویج دیپلماسی فرهنگی، علمی و دانشگاهی
- ❖ تاسیس شبکه رسانه‌ای مشترک برای مقابله با جنگ روایت‌ها
- ❖ نهادینه سازی گفت و گوی منطقه‌ای با محوریت سه کشور

جدول (۲): سناریوهای آینده نگر منطقه‌ای در خاورمیانه

سناریو	ویژگی‌ها	پیامدها	امکان تحقق
همگرایی منطقه‌ای	تاکید بر جغرافیای مشترک، ژئوپلیتیک منطقه گرای، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک صلح	ثبات بلندمدت، همکاری اقتصادی	مشروط به اراده سیاسی و کاهش نفوذ خارجی
موازنه سرد	حفظ وضع موجود، رقابت محدود، همکاری مقطعی	کاهش درگیری مستقیم، استمرار بی‌اعتمادی	محتمل در کوتاه مدت
واگرایی حاد	تشدید رقابت، درگیری نیابتی، ائتلاف سازی خصمانه	بی ثباتی مزمن، افزایش هزینه های امنیتی	در صورت شکست دیپلماسی

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

دستیابی به صلح پایدار در منطقه خاورمیانه، به ویژه میان سه قدرت ژئوپلیتیکی ایران، ترکیه و عربستان مستلزم درک عمیق و جامع از مولفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منطقه است. بنیادهای جغرافیایی مانند موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی و گذرگاه‌های ترانزیتی چارچوبی هستند که نه تنها محدودیت‌ها بلکه ظرفیت‌های بالقوه همکاری را تعیین می‌کنند. علاوه بر این، مفهوم منطقه‌گرایی ژئوپلیتیکی، با تکیه بر تعاملات مبتنی بر منافع مشترک و نهادسازی منطقه‌ای، می‌تواند به کاهش رقابت‌های تنش‌زا و شکل‌دهی نظم جدید منطقه‌ای کمک کند. همکاری‌های ژئواکونومیک نیز به عنوان ابزاری کارآمد، ضمن تقویت ارتباطات اقتصادی، زمینه‌های اعتمادسازی و تقابل با چالش‌های امنیتی مشترک را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، رویکرد ژئوپلیتیک صلح با تأکید بر تبدیل تهدیدهای منطقه‌ای به فرصت‌های همکاری، ترویج گفتمان‌های صلح محور و بهره‌گیری از پیوندهای ژئوکالچر مشترک، مسیر تنش‌زدایی را هموار می‌سازد. این پژوهش تأکید می‌کند که تنها از طریق نهادسازی منسجم منطقه‌ای، همکاری‌های گسترده اقتصادی و تقویت دیپلماسی فرهنگی است که می‌توان چشم‌انداز صلحی جامع و پایدار در خاورمیانه را تحقق بخشید و نقش بازیگران برتر منطقه در شکل‌دهی آینده‌ای باثبات‌تر و امن‌تر برای تمامی کشورهای منطقه تثبیت شود. بررسی نقش و عملکرد بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه نشان می‌دهد که ایران، ترکیه و عربستان به عنوان قدرت‌های برتر ژئوپلیتیکی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تحولات منطقه دارند و با تحلیل مولفه‌های ژئوپلیتیک، راهکارهایی برای تنش‌زدایی و صلح پایدار میان این سه کشور ارائه می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تأکید بر جغرافیای مشترک، تقویت ژئوپلیتیک منطقه‌گرایی، توسعه همکاری‌های ژئواکونومیک و اتخاذ رویکرد ژئوپلیتیک صلح می‌تواند زمینه‌ساز کاهش رقابت ژئوپلیتیکی و افزایش اعتماد متقابل گردد. در مجموع می‌توان گفت تنش‌زدایی و ایجاد صلح پایدار در این منطقه پیچیده، و مستلزم رویکردی چندوجهی و هماهنگ است. تأکید بر بنیادهای جغرافیایی مشترک و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه، شناخت دقیق وزن و منافع هر یک از بازیگران اصلی و توجه به ظرفیت‌های منطقه‌گرایی ژئوپلیتیکی می‌تواند زمینه‌های تعامل و همکاری را تسهیل کند. همچنین، ارتقای همکاری‌های ژئواکونومیک و بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی مشترک، به عنوان عامل تقویت‌کننده روابط و کاهش رقابت‌های تنش‌زا نقش اساسی دارد. در نهایت رویکرد ژئوپلیتیک

صلح که بر مبنای منافع مشترک، احترام به استقلال و امنیت ملی و تسهیل گفت‌وگوهای سازنده استوار باشد، کلید اصلی دستیابی به تنش‌زدایی و پایداری امنیتی در خاورمیانه خواهد بود. بنابراین این پژوهش تاکید دارد که تنها از طریق تلفیق این مولفه‌ها و ایجاد چارچوبی جامع، می‌توان به راه‌حل‌های پایدار برای تنش‌های منطقه‌ای دست یافت و نقش سه بازیگر کلیدی (ایران، ترکیه و عربستان) را در جهت ارتقای ثبات و صلح منطقه‌ای تقویت کرد.



فهرست منابع

- احمدی پور، زهرا، حافظ نیا، محمدرضا، سجادپور، کاظم، عزیززاده طسوج، محسن، ۱۳۹۸، ژئوپلیتیک و صلح، دومین کنفرانس بین‌المللی صلح پژوهی، ۲۴-۱
- افشردی، محمد حسین، مدنی، سید مصطفی، ۱۳۸۸، ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تاکید بر کشورهای برتر منطقه)، *مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۳
- بوزان، بری، ویور، اولی، ۱۳۸۸، مناطق و قدرتها، *ساختار امنیت بین الملل (مترجم: رحمن قهرمانپور)*؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پوراسمعیلی، نجمیه، ۱۳۹۶، *آینده نظام منطقه ای خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی
- پیشگاهی فرد، زهرا، نورعلی، حسن، ۱۴۰۲، ۱۰۰ نظریه مغفول مانده جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک (۱۹۰۰-۲۰۲۱)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- جانسیز، احمد، صالحیان، تاج الدین، ۱۳۹۵، نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای، *پژوهش‌های روابط بین الملل*، دوره ۶، شماره ۱۹
- جوفار، محمدرضا، یزدان پناه درو، کیومرث، ۱۴۰۳، مفهوم پردازی ژئوپلیتیک صلح، *پژوهش‌های روابط جهانی*، دوره اول، شماره ۲
- جهانگیری، سعید، اطهری، اسدالله، ۱۳۹۷، بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)، *راهبرد سیاسی*، دوره ۲، شماره ۶
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۹۰، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی (وابسته به پژوهشکده امیر کبیر جهان)
- حسین زاده، یاور، ۱۳۹۶، *بررسی عوامل کشمکش سیاسی و ژئوپلیتیک در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (تعارض محور عربستان- ترکیه با محور ایران- روسیه)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز
- حق شناس، محمدرضا، موسوی شفقانی، مسعود، سجادپور، محمدکاظم، شریعتی نیا، محسن، ۱۳۹۶، رقابت‌های ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان: مکانیزمها و راهبردها، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره ۶، شماره ۲
- حیدری موصلو، طهمورث، ۱۳۹۶، *الگویابی رقابت قدرت‌های منطقه ای در مناطق ژئوپلیتیک (مطالعه موردی: جنوب غرب آسیا)*، رساله دکتری، دانشگاه تهران

- خلیلی، رضا، نصری، قدیر، عسکری ارمندی، محمد، ۱۴۰۲، رقابت ایران و عربستان و تحولات امنیتی خاورمیانه، *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۷
- درخشه، جلال، دیوسالار، مجید، ۱۳۹۰، عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام گرای عدالت و توسعه در ترکیه (۲۰۰۹-۲۰۰۲)، *تحقیقات سیاسی و بین المللی*، دوره ۳، شماره ۷
- رومینا، ابراهیم، ۱۳۹۹، بررسی تاثیر علائق ژئوپلیتیکی در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا مطالعه موردی: ایران و عربستان، *محیط راهبردی*، دوره ۴، شماره ۲
- زارعی، بهادر، رشیدی، مصطفی، ۱۳۹۷، قرن بیست و یکم قرن آسیا- پاسیفیک، انتشارات دانشگاه تهران
- زارعی، بهادر، ۱۳۹۷، *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- زارعی دارامرودی، هو شمند، محمدی، حمیدرضا، عزیززاده طسوج، محسن، ۱۴۰۱، تحلیل ژئوپلیتیک الگوهای رفتاری مبتنی بر تنازع و تعامل در روابط ایران و عربستان سعودی، *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، دوره ۴، شماره ۲
- زراعت پیشه، نجف، ۱۳۸۴، *برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی-سیاسی)*، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- سالاروند، معصومه، قالبی حاجیوند، معصومه، عباس زاده فتح آبادی، مهدی، ۱۳۹۸، نگرشی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در قبال شیعیان منطقه (در دوران حزب عدالت و توسعه)، *سیاسی و روابط بین الملل*، دوره ۳، شماره ۶
- سریع القلم، محمود، ۱۳۹۵، نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره اول
- شفیعی، نوذر، ۱۴۰۲، ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه‌ای: تحلیلی بر میانجیگری چین بین ایران و عربستان، *غرب آسیا*، دوره ۱، شماره ۱
- شهبازی، سهند، مسعودنیا، حسین، گودرزی، مهناز، ۱۳۹۷، همگرایی در خاورمیانه: چالش‌ها و راهکارها، *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال دهم، شماره ۳۹
- عباسی سمنانی، علیرضا، ۱۳۹۲، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان، *اطلاعات جغرافیایی سپهر*، دوره ۲۲، شماره ۸۶
- عبدی، عطاالله، کریمی پور، یدالله، فرجی راد، عبدالرضا، ساعی، زهرا، ۱۴۰۰، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه، *ژئوپلیتیک*، دوره ۱۷، شماره ۶۱

- عزیززاده طسوج، محسن، احمدی پور، زهرا، حافظ نیا، محمدرضا، سجادپور، محمدکاظم، ۱۴۰۱، درآمدی بر مفهوم گفتمان ژئوپلیتیک صلح، پژوهش های جغرافیای سیاسی، دوره ۷، شماره ۱
- فرنیان، اصغر، ۱۳۹۴، نقش قدرت های بزرگ منطقه (ایران، ترکیه، عربستان) بر آینده قدرت در خاورمیانه قرن بیست و یکم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- کریمی پور، یدالله، ربیعی، حسین، بزله، احمد، ۱۳۹۶، تبیین بنیادهای جغرافیایی صلح در خاورمیانه (مطالعه موردی: ایران، ترکیه و عربستان)، ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره ۳
- کلاتری، فتح الله، رسولی، مهدی، ۱۳۹۸، بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر راهبرد دفاعی آن، راهبرد دفاعی، دوره ۱۷، شماره ۱
- کمپ، جفری، هارکاو، رابرت ۱۳۸۳، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه (جلد اول)، ترجمه: سید مهدی حسینی متین، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کوهن، سائول برنارد، ۱۴۰۰، ژئوپلیتیک؛ جغرافیای روابط بین الملل (جلد اول و دوم)، مترجم: قاسم محمدعلی پوریامچی، تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
- گیورا، آموس، ۱۴۰۲، امنیت سایبری ژئوپلیتیک، قانون و سیاست، مترجم: سید علی موسوی، تهران، انتشارات نسل روشن
- مازندرانی، علی اکبر، پورروشن، علی اصغر اسماعیل، قربان نژاد، ریپاز، ولی شریعت پناهی، مجید، ۱۴۰۰، تبیین راهبردی جایگاه ایران در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۱۰، شماره ۴۱
- متقی، افشین، عبدالله پور، محمدرضا، ۱۳۹۸، نگرشی نو به ژئوپلیتیک خاورمیانه (بنیان ها، نظریه ها و کنشگران)، تهران، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت
- محمدی، فاطمه، ۱۳۹۷، چالشها و موانع ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایجاد صلح در خاورمیانه (از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی
- محمدی، فریبرز، مومنی، سید محمد جواد، تقوی کوتنائی، محمد حسین، ۱۴۰۱، تغییر رویکرد از ژئوپلیتیک به ژئواکونومی در منطقه غرب آسیا و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، راهبرد سیاسی
- مفخمی شهرستانی، حسن، نیرومند، حیدرعلی، ۱۳۹۸، نقش عوامل ژئوپلیتیک در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات دفاعی راهبردی، دوره ۱۷، شماره ۷۶

- مومن زاده، رضا، ۱۳۹۷، *منطقه گرایی در تفکر استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر ژئوپلیتیک*، رساله دکتری، دانشگاه تهران
- موسوی شهیدی، مهدی، زارعی، بهادر، پیشگاهی فرد، رهرا، بدیعی ازندهای، مرجان، واثق، محمود، ۱۴۰۱، *چرخش روابط ایران و عربستان در دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی و زمینه های شکل گیری آن ها، پژوهش های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۴، شماره ۲
- مویر، ریچارد، ۱۳۹۰، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، مترجم: دره میرحیدر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- نیاکویی، امیر، بهمنش، حسن، ۱۳۹۱، *بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، روابط خارجی*، دوره ۴، شماره ۴
- ویسی، هادی، ۱۳۹۸، *واکاوی چالش های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر منطقه جنوب غرب آسیا، جغرافیا و توسعه*، دوره ۱۷، شماره ۵۵
- Abedi, Mehdi, (2009). *Reproduction of the Crisis in the Security Structure of the Middle East: Toward Identifying a Cloud Crisis*, Quarterly Journal of Political and International Research, No. 1, Spring.
- Agnew, J. (2003). *Geopolitics*. Second Edition. London and New York: Routledge
- Ahmadipour, Zahra, Lashkari, Ehsan. (2015). *The Geographical Philosophy of Continuing Competition in Post-Cod War International Relations*, Geographical Research Quarterly, 29 (3). (In Persian)
- Barkey, Henri j, (2011). *TTr kiFFFFreig iiiii yy t ii lll sssss s 111-2*. Available at: [http:// www.cer-sciences-po.org](http://www.cer-sciences-po.org)
- Braden, Kathleen. E& Shelley, Fred. M. (2000). *Engaging Geopolitics*. England: Pearson Education Limited.
- Davison, Roderick H ()))))) WWr i T ii lll Esst”” In the Modern Middle East. Edited by Richard H. Nolte, pp. 13-30, New York: Atherton.
- Dijking, G. (1998). *Geopolitical Codes and Popular Representations*, Geojournal, 46, pp. 239-299.
- Dodds, Klaus, (2000). *Geopolitics In A Changing world*. England: Pearson Education Limited.
- Ghorban, Narsi, (2013). *Oil shale encouraging the withdrawal of the United States from the Persian Gulf*, World Economic Newspaper, No. 2932, June.
- Gun, sss tff ()))))) TT UAAA Turkey Relationship After 2003 Iraq Criii””BlgSSStrategic, Cilt. 1, Sayi.2, Bahar
- Migdalovitz, Carol, ()))))))”Turkey: Sected Foreign Policy Issues and U.S vi””””” , Congressional Research Service CRS, P47.www.crs.gov

- Maoz, M. (2012). The Arab Spring and the New Geo-Strategic Environment in the Middle East. *Insight Turkey*, Vol. 14. No. 4, pp. 13-14
- Moeini Alamdari, Jahangir, (2001). Considerations on the Design of a New Security Order in the Middle East, *Quarterly Journal of Middle East Studies*, Vol, 8, No. 4, Winter.
- Onis, Ziya. (2007). *Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformations*, University Press.
- O Tuathail, G, (1996). *Critical Geopolitics: The Politic of Writing Global Spase*, University of Minnesota Press, Minneapolis.
- Petersen, J.. A. (2002), *The Crisis of Succession in the Member States of the Persian Gulf Cooperation Council*, translated by Ali Rostami, *Quarterly Journal of Middle East Studies*, Vol. 31, Fall.
- Salehi, Hojjat, (2009). Adaptation of the Concept of Global Governance to the Crisis in the Middle East, *Journal of International Relations*, Vol. 41, September.
- Taylor, P. J (1994). *Political Geography*. England: Longman Scientific&Technical.
- Tibi, Bassam, (1989). *Konfliktregion Naher Osten. Regionale Eigendynamik und GroBmachtinteressen*. Munchen: Beck.
- Walker, W. Joshua, (2007), *Reexamining the U.S.- Turkish Alliance*, *The Washington Quarterly*, Winter
- Weitz, Z. & Yilmaz, s. (2009). *Yhe Turkey-EU-US triangle in perspective: transformation or continuity?* *The Middle East Journal*, 59(2), 265-284
- William B. Wood & Demco, J. George, (1998). *Reordering the world: geopolitical perspectives on the 21st century*. Second. Colorado: Westview Press.
- Yamahata, yatana, (2018). *(Re) Shaping Territories to Identites: Is the Middle East Colonial Invention?* SOAS: University of London
- Yukselen, H. (2020). *Strategy and Strategic Discourse in Turkish Foreign Policy*. Springer Nature.
- yun.ir/07cdi1